



جرعه ای از زلال آسمان

جلد دوم

ناصر نظارات



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما را به دعا کاش فراموش نسازند  
رندان سحر خیز که صاحب  
نفسانند

### \* ذکر یونسیه:

مداومت تا یک سال = باز شدن چشم برزخی : ۴۰۰ بار در سجده بعد از نماز صبح : لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ  
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

### \* رفع اضطرار و گرفتاری:

۵ بار صلوات - آیت الکرسی - سپس در دل بسیار بگو: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ  
تَشَاءُ.

### \* امان از خطر دشمن - دوری از ریا و غرور:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

### \* درمان حدیث نفس:

روزی صد بار تهلیل: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

### \* دفع وسوسه و اذیت شیاطین:

آیت الکرسی - سوره ناس و فلق.

### \* روشنایی قلب:

۷۰ مرتبه استغفار بعد از نماز ظهر و عصر.

## \*روایای صادقانه:

سوره های ضحی و انشراح قبل از خواب.

## \*مستجاب الدعوه شدن:

بسم الله الرحمن الرحيم.

## \*سرکوبی نفس:

هر روز ۱۳ بار: اللهم لك الحمد و اليك المشتكى و انت المستعان.

## \*قدرت انسان در غلبه بر نفس:

يا دائم يا قائم.

## \*روشنایی قلب:

بعد از نماز صبح دست بر سینه ۷۰ بار: "یا فتاح."

## \*دور نمودن ۷۰ نوع بلا:

روزی صد بار: لا حول ولا قوة الا بالله.

## \*تقویت روح و قلب:

نیم ساعت با توجه قلبی در جای خلوت: "هو الحی."

## \*گشایش در امور و حوائج:

۱۲۰ بار در یک مجلس: آمَنَ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ.

## \*ثواب و حسنات فراوان:

روزی ۲۵ بار: اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات.

## \*شفای ۹۹ درد که کمترین آن ناراحتی است:

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

## \*دعای خروج از منزل:

بسم الله - لا حول ولا قوة الا بالله - توكلتُ على الله .

۳۰۰۰ حسنه - محو ۳۰۰۰ گناه - ۳۰۰۰ درجه:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ .

## \*دعای قبل از طلوع خورشید:

اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ .

## \*دفع نفس اماره:

هنگام خواب دست بر سینه - صد بار: " یا مُمیتُ ."

## \*قضای حوائج:

دو رکعت نماز هدیه به حضرت زهرا (س) و در قنوت آن:

اللَّهُمَّ بِفَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَفَاطِمَةَ وَ بَعْلِهَا وَ بَفَاطِمَةَ وَ بَنِيهَا بِفَاطِمَةَ وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ عَلَيْهَا إِقْضِ حَاجَتِي وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ .

محال است حاجت روا نشود .

## \*رفع غم و اندوه:

۴۰ بار: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوت .

## \*توسل به امام زمان (عج) برای رفع ناراحتی و مشکلات:

۷۰ بار: یا مُحَمَّدُ یا علی یا فاطمة یا صاحب الزمان أدر کنی و لا یجلیکنی .

## \*برای گرامی شدن نزد مردم:

هنگام خروج از خانه ۱۲ بار: یا عزیز ذوالعز والاقْتِدَارِ اعْزِنِي .

## \*رفع شك در نماز:

هنگام ورود به توالی: بِسْمِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجْسِ الْخَبِيْثِ الْمُخْبَثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ.

## \*استخاره امام زمان:

سه صلوات - میانه تسبیح را بگیر: جفت آمد بد است.

## \*دعای عطسه:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

## \*زنده شدن دل:

يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ يا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ اَسْئَلُكَ اَنْ تَحْيِيَ قَلْبِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

## \*قوی شدن همت:

مداومت بر اذکار: الشَّدید ، ذوالقُوَّة ، القاهر ، الْمُقْتَدِرُ.

## \*آرامش قلب:

الا بذكر الله تطمئن القلوب.

## \*رفع خیالات و اوهام:

مداومت بر: "اللَّطِيف".

## \*رفع بی خوابی:

سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي الشَّانِ دَائِمُ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ.

## \*خواب دیدن امیرالمومنین:

موقع خواب بگو: اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لَطْفٌ خَفِيٌّ وَ اِيَادِيهِ بِاسِطَةٍ لَا تَنْقُضِيْ اَسْئَلُكَ بِلَطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِيْ مَا

لَطَفْتَ بِهِ لِجَبَدٍ اِلَّا كَفِيْ اَنْ تَرَبِّنِيْ مَوْلَايْ عَلٰى بِنِ ابِيْ طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيْ مَنَامِيْ.

## \*ایمن ماندن از فتنه ها در آخر الزمان:

۱۸ بار "یا حی" بعد از هر نماز.

تکرار این دعا: یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقَلَّبَ القلوبِ ثَبَّتْ قلبی علی دینک.

## \*هنگامی که از دست کسی به ناراحتی و شدت افتادی بگو:

حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

## \*تقویت حافظه:

بعد از نماز صبح در هر روز قبل از صحبت کردن: یا حی یا قیوم فلا يفوتُ شيئاً علمُهُ ولا يؤدُهُ قُوَّةُهُ.

## \*راه های دیگر تقویت حافظه:

روزه - قرآن - مسواک - آیت الکرسی - اطاعت امر والدین - دائم الوضو - رو به قبله - شب زنده داری.

## \*یادآوری چیز فراموش شده:

پیشانی بر کف دست: اللهم لك الحمد يا مُذَكِّرُ الشئى وَفَاعِلُهُ، ذکرنی ما نَسِيتُ.

\*هر کسی صد آیه از قرآن تلاوت کند سپس هفت بار ذکر ((یا الله)) بگوید اگر بر سنگ سخت دعا کند هر آینه شکافته گردد.

## \*رفع وسوسه شیطان:

روزی سه بار: وکلوا نَسَاءً لِمَسَخَنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ.

## \*اهل یقین شود:

سحرگاه وضو بگیرد و ۱۱۱ بار در سجده بگوید: "الصَّمَدِ."

## \*حاجت روایی - روزی:

۲۱ بار در سجده: "یا ذالجلال والاکرام."

## \*آمزش گناهان:

۱۰۰ بار در جمعه "الغفور" و بعد از آن: اللهم اغفر لی یا غفار.

**\* نورانیت باطن – در امان ماندن از وسوسه شیطان:**

۱۷۰ بار "القدّوس".

**\*زیادی روزی:**

۳۵ بار "یا وَهَّابُ ذالطول".

**\* نابودی ظالم:**

اگر مظلوم باشد در سحرگاه ۶۶ بار بگوید "یا وَکِیل" و بر ظالم دعا کند تا نابود شود.

**\* برآورده شدن ۱۰۰ حاجت (۳۰ تا دنیوی – ۷۰ تا اخروی)**

۱۰۰ بار: یا رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

**\* تا یکسال گناهی نوشته نمی شود:**

روز جمعه بعد از نماز صبح بگو: اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ حَمَلِهِ عَرْشِكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ وَ سَمَائِكَ وَ اَرْضِكَ وَ اَنْبِيَاءِكَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

**۴۵۰۰۰ حسنه ، ۴۵۰۰۰ محو گناه ، ۴۵۰۰۰ درجه:**

روزی ۱۰ بار: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اِلَهًا وَاحِدًا اَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا.

**\* ثواب ۱۰۰۰ رکعت نماز:**

در وقت خواب سه بار بگو: يَفْعَلُ اللهُ مَا يَشَاءُ بِقُدْرَتِهِ وَ يَحْكُمُ مَا يَرِيدُ بِعِزَّتِهِ.

**\* آمرزش گناهان و توبه:**

العفو.

\* ۴۱ بار بعد از نماز صبح ، ۴۱ بار در روز: العزیز.

\* بعد از هر نماز ۲۹۸ بار: الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ.



شیخ طبرسی در ذیل آیه شریفه (سوره حشر / آیه ۱۶) كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ أُكْفَرُ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ از ابن عباس روایت می کند:

در بنی اسرائیل عابدی به نام برصیصا بود. چهل سال عبادت خدا کرد تا به مقامی رسید که مستجاب الدعوه شد. دعایش به اندازه ای مؤثر بود که بیماران و دیوانگان را می آوردند تا به برکت دعای او مداوا شوند. روزی زن مجنونی را برادرانش برای معالجه نزد برصیصا آوردند. دید خیلی زیبا است. شیطان او را وسوسه کرد. دست تجاوز به سوی او دراز نمود. برصیصا از بیم رسوائی و ریختن آبروی چندین ساله اش او را کشت و در مکانی به خاک سپرد.

شیطان سراغ برادران آن زن مجنون رفت و آنان را از ماجرا مطلع نمود. برادران به قاضی شهر شکایت کردند. قاضی برصیصا را احضار نمود و از او در این باره پرسید.

برصیصا اقرار کرد. قاضی حکم به اعدام او داد.

هنگامی که برصیصا بالای دار بود، شیطان برایش تمثیل یافت و به او گفت: من راز ترا فاش کردم و تو را به این مهلکه انداختم. اگر از من اطاعت کنی، ترا نجات می بخشم.

برصیصا گفت: چه کنم؟

گفت: برایم یک سجده کن.

گفت: چگونه ترا سجده کنم در حالی که من بر این حالت بالای دار هستم. شیطان گفت: از تو، به اشاره هم اکتفا می کنم.

پس برصیصائی که سالها خداوند یکتا را عبادت می کرد، در آخرین لحظات عمرش برای شیطان لعین رجیم سجده کرد و به خدای خویش کافر شد. مجمع

البیان ج ۹ / ص ۲۶۵ بحار الانوار ج ۱۴ / ص ۴۸۶.

خداوند عاقبت کار همه ما را ختم به خیر بگرداند و یک لحظه ما را به خود وا نگذارد. اَلِهِيَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا

## \* حداقل اذکاری که انسان باید در ساعات شبانه روز بر آن ها

### مداومت بکند

- ۱- هر روز ۱۰۰ بار، صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله
- ۲- هر روز ۳۶۰ مرتبه (به تعداد رگهای بدن) (.الحمد لله رب العالمین كثيرا علی کل حال)
- ۳- هر روز ۷۰ مرتبه (استغفر الله ربی و اتوب الیه)
- ۴- هر روز ۱۰۰ بار (سبحان الله)
- ۵- هر روز ۱۰۰ بار (الحمد لله)
- ۶- هر روز ۱۰۰ بار (لا اله الا الله)
- ۷- هر روز ۱۰۰ بار (الله اکبر)
- ۸- هر روز ۱۰۰ بار (لا اله الا الله الملك الحق المبین) و اگر صد مرتبه نتوانستی سی بار بگو .
- ۹- هر روز ۱۰۰ بار (لا حول و لا قوة الا بالله)
- ۱۰- هر روز ۱۰ مرتبه : اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له ، الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبة و لا ولدا.
- ۱۱- هر روز ۳۶۰ مرتبه : سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
- ۱۲- هر روز ۴۰۰ مرتبه : استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القيوم ، الرحمن الرحیم ، بدیع السماوات و الارض ، من جمیع ظلمی و جرمی و اسرافى علی نفسى و اتوب الیه .
- ۱۳- هر روز ۲۵ مرتبه : اللهم اغفر للمومنین و المومنات ، و المسلمین و المسلمات .
- ۱۴- هر روز ۱۵ مرتبه : لا اله الا الله حقا حقا ، لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا ، لا اله الا الله عبودية و رقا .
- ۱۵- هر روز ۷ مرتبه : اسئل الله الجنة و اعوذ بالله من النار .
- ۱۶- هر روز ۷ مرتبه : الحمد لله علی کل نعمة كانت او هی کائنة .
- ۱۷- هر روز بگوید : بسم الله ، حسبى الله ، توکلت علی الله ، اللهم انى اسئلك خیر امورى کلها ، و اعوذ بك من خزی الدنيا و عذاب الاخرة .
- ۱۸- هر روز بگوید : جزى الله محمدا صلی الله علیه و آله عنا ما هو اهله .
- ۱۹- هر روز بگوید : اللهم انى اسئلك بنور وجهک المشرق الحی الباقى الکریم و اسئلك بنور وجهک القدس الذی اشرفت به السماوات ، و انكشفت به الظلمات ، و صلح علیه امر الاولین و الاخرین ، ان تصلى علی محمد و آله ، و ان تصلح شانى كله .
- ۲۰- هر روز بگوید : سبحان الدائم القائم ، سبحان القائم الدائم ، سبحان الواحد الاحد ، سبحان الفرد الصمد ، سبحان الحی القيوم ، سبحان الله و بحمده ، سبحان الحی الذی لا يموت ، سبحان الملك القدوس ، سبحان رب الملائكة و الروح ، سبحان العلی الاعلی ، سبحانه و تعالى .

## \* درخواست حوریه بهشت از خداوند با پانصد کلمه

به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: حق تعالی بر خود واجب کرده است که هر مومنی که صد مرتبه (الله اکبر) و صد مرتبه (الحمد لله) و صد مرتبه (سبحان الله) و صد مرتبه (لا اله الا الله) بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید، (اللهم زوجنی من الحور العین)، البته حق تعالی حوریه ای در بهشت به او کرامت فرماید، و این پانصد کلمه مهر آن حوریه باشد، پس از این جهت حق تعالی به حضرت رسول صلی الله علیه و آله وحی فرمود که: مهر زنان مومنه را پانصد درهم سنت گرداند.

## \* با این ذکر از هفتاد نوع بلا ایمن شوید

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون نماز مغرب و صبح را خواندی پس هفت بار بگو: **بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم** خداوند متعال از او هفتاد نوع بلا را دفع می کند که کمترین آن ها جذام و برص (پیسی) و دیوانگی است.

### با این ذکر از نود و نه بلا ایمن شوید

از حضرت امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام روایت نموده اند که فرمودند هر کس که هر روز سی مرتبه بگوید: **بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله رب العالمین ، تبارک الله احسن الخالقین ، لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم** ، خداوند نود و نه بلا را از او دور فرماید که کمترین آن ها جنون باشد.

## \* بهترین ذکر در سجده

حضرت علی علیه السلام فرمود: بهترین سخنان نزد حق تعالی آن است که در سجده سه بار گوید (انی ظلمت نفسی فاغفر لی)

### در خواص بسم الله الرحمن الرحیم

\* امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام فرموده: هر کس را گرفتاری رسد که او را غمگین کند یا گرفتاری به او رسد، سرش را به آسمان بلند کند و سه بار بگوید:  
(بسم الله الرحمن الرحیم) جز این که خداوند گرفتاری او را بردارد و غم او را انشاء الله ببرد

## ثواب بعضی از اعمال :

### ثواب گفتن (لا اله الا الله )

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خدای عزوجل به موسی به عمران فرمودند: ای موسی! براستی که اگر آسمانها و ساکنان آن که نزد من هستند و زمینهای هفتگانه را در یک کفه گذاشته و (لا اله الا الله) را در کفه دیگری بگذارند (لا اله الا الله) سنگینتر از آنها خواهد بود.

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دو چیز عامل دو چیز است: کسی که بمیرد در حالی که گواهی می دهد که خدایی جز خدای یگانه نیست، وارد بهشت می شود و که بمیرد در حالی که شریکی برای خداوند می داند، وارد جهنم می شود.

۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند (لا اله الا الله) را به مردگان خود تلقین کند، زیرا که گناهان را از بین می برد. گفتند: ای رسول خدا! کسی که آن را در حال سلامتی بگوید، چه حکمی دارد؟ فرمودند: این (ذکر) گناهان را در هر حال از بین می برد. براستی که (لا اله الا الله) انس مؤمن در زندگی، مرگ و بر انگیختن اوست. نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که جبریل گفت: ای محمد! کاش آنها را به هنگامی که بر انگیخته می شوند، می دیدی که یکی با روی سفید می گوید (لا اله الا الله) و دیگری با روی سیاه می گوید (وای بر ما که نابود شدیم)

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بهای بهشت (لا اله الا الله) است.

۵- پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که (لا اله الا الله) بگوید، در بهشت در زمینی که از مشک سفید است، درختی از یاقوت سرخ برای او کاشته می شود که شیرینتر از عسل، سفیدتر از برف و خوشبوتر از مشک است. میوه های آن همانند پستانهای دختر آن باکره بوده و (آن قدر درخشان است که) از پشت هفتاد پرده نمایان است.

- امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ بنده مسلمانی نیست که بگوید (لا اله الا الله)، مگر این که بالا رفته و هر سقفی را می شکافد و به هیچ کدام از گناهان او بر نمی خورد، مگر این که آن را پاک می کند تا این که به خوبیهای همانند خود برسد و بایستد.

- امام صادق علیه السلام فرمودند: زیاد بگویند (لا اله الا الله) و (الله اکبر) زیرا خداوند هیچ چیزی را بیش از گفتن (الله اکبر) و (لا اله الا الله) دوست ندارد.

## ثواب گفتن لا اله الا الله وحده و حده وحده

-- امام باقر علیه السلام فرمودند: جبرئیل نزد رسول خدا آمد و گفت: اگر شخصی امت تو (لا اله الا الله وحده و حده و حده) بگوید، خوشبخت خواهد شد.

## ثواب گفتن (اشهد ان لا اله الا الله)

-- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که هر روز بگوید (اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبه و لا ولدا)، خداوند برای او چهل و پنج هزار هزار حسنه نوشته، چهل و پنج هزار هزار گناه او را پاک کرده، چهل و پنج هزار هزار درجه آن او را بالاتر می برد، خانه ای در بهشت برای او می سازد و مانند کسی است که در آن روز دوازده بار قرآن خوانده باشد.



## ثواب بردن نام خدا به هنگام وضو

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که هنگام وضو نام خدا را ببرد، تمام بدنش پاک می شود و این کار کفاره گناهان بین دو وضو خواهد بود. و کسی که نام خدا را نبرد، فقط آن مقدار از بدنش که آب به آن می رسد پاک می شود.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که هنگام وضو نام خدا را بر زبان جاری کند، گویا غسل کرده است.

## ثواب خشک کردن آب وضو با حوله و ترک آن

-- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که وضو می گیرد و با حوله خشک کند، یک حسنه برای او نوشته می شود و کسی که وضو بگیرد و صبر کند تا دست و رویش خود خشک شوند، سی حسنه برای او نوشته می شود.

## ثواب مسواک کردن

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: مسواک کردن دوازده خاصیت دارد: سنت پیغمبر است، پاک کننده دهان و روشن کننده چشم است، خداوندا را راضی می کند، دندانها را سفید می کند، از فاسد شدن دندان جلوگیری می کند، لثه را محکم می کند، میل غذا می آورد، بلغم را از بین می برد، حافظه را افزایش می دهد، حسنه را دو برابر می کند، و فرشتگان از آن خوشحال می شوند.

۲- امام صادق علیه السلام روایت می نماید که امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر مردم فواید مسواک کردن را می دانستند، با آن در رختخواب می خوابیدند.

۳- امام باقر علیه السلام فرمودند: مسواک کردن بلغم را از بین می برد و عقل را زیاد می کند.

## ثواب با وضو خوابیدن

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که با وضو به رختخواب برود، در حالی می خوابد که در رختخواب او عبادتگاه اوست.

## ثواب شانه کردن سر

-- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: شانه کردن سر (وبا) را می برد، روزی می آورد و جماع را زیاد می کند.

## ثواب هفتاد بار شانه کردن موی صورت

-- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که هفتاد بار موی صورتش را شانه کند و بداند که چندبار این کار را انجام داده است ، تا چهل روز شیطان به او نزدیک نمی شود.

## ثواب سرمه کشیدن

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: سرمه چشم را زیبا، اشک را قطع و مو را می رویاند.

۲- امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید سرمه بکشد.

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند: سرمه کشیدن هنگام خواب از آب ریزش چشم جلوگیری می کند.

۴- امام صادق علیه السلام فرمودند: سرمه کشیدن مو را می رویاند، اشک را خشک نموده ، اب دهان را گوارا، و چشم را زیبا می کند.

## ثواب ناخن گرفتن و کوتاه کردن سیبل

۱- امام صادق علیه السلام از پدرانیش علیه السلام روایت می نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که در روز جمعه ناخنهایش را بگیرد، خداوند عزوجل درد را از انگشتانش خارج و درمان را وارد آن می کند

۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که در روز شنبه یا پنجشنبه بچیند و یکی را برای روز جمعه باقی بگذارد، خدای عزوجل فقر را از او دور می گرداند.

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که در روز پنجشنبه ناخنهایش را بچیند و یکی را برای روز جمعه باقی بگذارد، خدای عزوجل فقر را از او دور می گرداند.

۴- امام صادق علیه السلام از پدرانیش علیه السلام روایت می نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چیدن ناخنها از دردهای بزرگ جلوگیری کرده و روزی را زیاد می کند.

۵- امام صادق علیه السلام فرمودند: چیدن ناخنها در روز جمعه انسان را از جذام، پسی و کوری ایمن می نماید. و اگر به چیدن احتیاج نداشتند، آنها را سوهان بزن.

۶- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که در هر جمعه ناخنهایش را بگیرد و سیلش را کوتاه کند و سپس بگوید (بسم الله و بالله و علی مله رسول الله صلی الله علیه و آله ) ، در مقابل هر ریزه مو یا ناخن ثواب آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل را به او می دهند.

## ثواب کفش پوشیدن

۱- امام باقر علیه السلام فرمودند: کفش پوشیدن نیروی چشم را افزایش می دهد.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که همیشه کفش بپوشد، به بیماری جذام مبتلا نخواهد شد. می گوید: پرسیدم در زمستان یا تابستان فرمودند: فرقی ندارد.

## ثواب خواندن نمازهای پنجگانه در وقتشان

۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: ای ابان! اگر کسی این پنج نماز واجب را به پا دارد و مواظب وقت آنها باشد، روز قیامت در حالی خداوند را دیدار می کند که پیمانی دارد که خداوند او را بخاطر آن وارد بهشت می کند و کسی که آنها را در وقت خودشان نخواند، اگر خداوند بخواهد او را می بخشد و اگر بخواهد عذاب می کند.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد تعده ای از یارانش نیز در مسجد بودند. پرسیدند: می دانید که پروردگار شما چه فرموده است؟ پاسخ گفتند: خدا و رسولش داناترند. فرمود: بدرستی که پروردگار شما می فرماید: اگر کسی این پنج نماز واجب را در وقت خودش بخواند و مواظب وقت آنها باشد، روز قیامت در حالی مرا دیدار می کند که نزد من پیمانی دارد و به خاطر آن پیمان او را وارد بهشت می نمایم. و کسی که آنها را در وقتشان نخواند و مواظب آنها نباشد، اختیار دارم، اگر خواستم او را عراب می کنم و اگر خواستم او را می بخشم.

## ثواب خواندن ( قل هو الله احد ) انا انزلناه ( و آیه

## الکرسی ) در هر رکعت نماز مستحب

-- امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که در هر رکعت از نماز مستحبی خود ( قل هو الله احد ) انا انزلناه و



فی ليله القدر) و (آیه الکرسی) را بخواند، خداوند عمل او را بهترین اعمال خواهد دانست، مگر کسی که مانند او و بیش از او این عمل را انجام دهد.

## ثواب و فضیلت قنوت

— امام صادق از پدرش از پدرانیش علیه السلام از ابوذر نقل می نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کدام از شما که قنوتش در سرای دنیا طولانیتر باشد، در توقفگاه روز قیامت راحتیش طولانیتر خواهد بود.

## ثواب کامل بجا آوردن رکوع

— سعید بن جناح می گوید: در حضور امام باقر علیه السلام در منزل او در مدینه بودم. حضرت علیه السلام بدون این که کسی چیزی بگوید، فرمودند: کسی که رکوع خود را کامل بجا آورد، در قبر وحشتی نخواهد داشت.

## ثواب یک بار سجده

— امام صادق علیه السلام از پدرانیش علیهم السلام نقل می نماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که یک بار سجده کند، بخاطر این عمل یک گناه از او می ریزد و یک درجه بالا می رود.

## ثواب گذاردن کف دستها بر زمین در سجده

— امام صادق علیه السلام از پدرانیش علیهم السلام نقل می کند که امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: هنگامی که سجده کردید، کف دستهایتان را بر زمین بگذارید؛ بدان امید که در روز قیامت زنجیر نشوید.

## ثواب طولانی کردن سجده

۱- معاویه بن عمار می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که کسی بنده خدا را نمی بیند، سجده اش را طولانی کند، شیطان می گوید: واویلا. فرمان برداری کردند و سرپیچی کردم. سجده کردند و من امتناع کردم.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: نزدیکترین حالتهاى بنده به خداوند حالت سجده است

## ثواب گفتن (اللهم صلی علی محمد و آل محمد) هنگام رکوع ، سجده و قیام

— امام باقر علیه السلام فرمودند: کسی که در رکوع ، سجده و قیامش بگوید (اللهم صل علی محمد و آل محمد)، خداوند برای او همانند ثواب رکوع ، سجده و قیام را می نویسد.

## ثواب سجده شکر

— امام صادق علیه السلام فرمودند: هر مومنی که برای شکر نعمتی در غیر نماز سجده کند، خداوند بخاطر آن ده حسنه برای او نوشته ، ده گناه او را پاک کرده و ده درجه در بهشت او را بالاتر می برد .



## ثواب نماز

۱- امام صادق علیه السلام نقل مینماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نمازی نیست که وقت آن برسد، مگر این که فرشته ای در برابر مردم ندا می کند: ای مردم! بلند شوید و آتشی را که بر پشتهای خود افروخته اید، با نمازتان خاموش کنید.

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: ای بنده خدا! نماز واجب را در وقت خود بخوان با حالت کسی که با آن وداع می کند و می ترسد پس از این هیچ گاه موفق به انجام آن نشود. آنگاه دیدگانت را متوجه سجده گاهت نما. اگر بدانی در سمت راست یا چپ تو کسی هست ، بخوبی نماز می خوانی و بد آن تو در برابر کسی هستی که تو را می بیند و تو او را نمی بینی .

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز گزار سه فایده بدست می آورد: هنگامی که به نماز می ایستد خوبیها از پهنه آسمان بر سرش ریخته ، فرشتگان او را از زیر پاهایش تا پهنه آسمان احاطه کرده و فرشته ای ندار می کند: ای نماز گزار! اگر می دانستی با چه کسی مناجات می کنی ، همیشه نماز می خواندی .

## ثواب خواندن نماز صبح در اول وقت

-- روای می گوید نماز امام صادق علیه السلام پرسیدم : بهترین وقت نماز صبح کدام است ؟ فرمودند: طلوع فجر زیرا خداوند متعال می فرماید (آن قرآن الفجر کان مشهودا). یعنی فرشتگان شب و روز نماز صبح را می بینند. بنابراین ، اگر بنده نماز صبح را به هنگام طلوع فجر بخواند، این نماز دو بار برای او ثبت می شود: یک بار توسط فرشتگان شب و یک بار توسط فرشتگان روز .

## ثواب نماز جماعت.

-- امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا نماز جماعت بیست و سه درجه بالاتر از نماز فردای است و بیست و پنج نماز می باشد.

## ثواب نماز کسی که عطر بزند

-- امام صادق علیه السلام فرمودند: دو رکعت نمازی که شخص عطر زده بخواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص عطر نزده می خواند.

## ثواب نماز متاهل

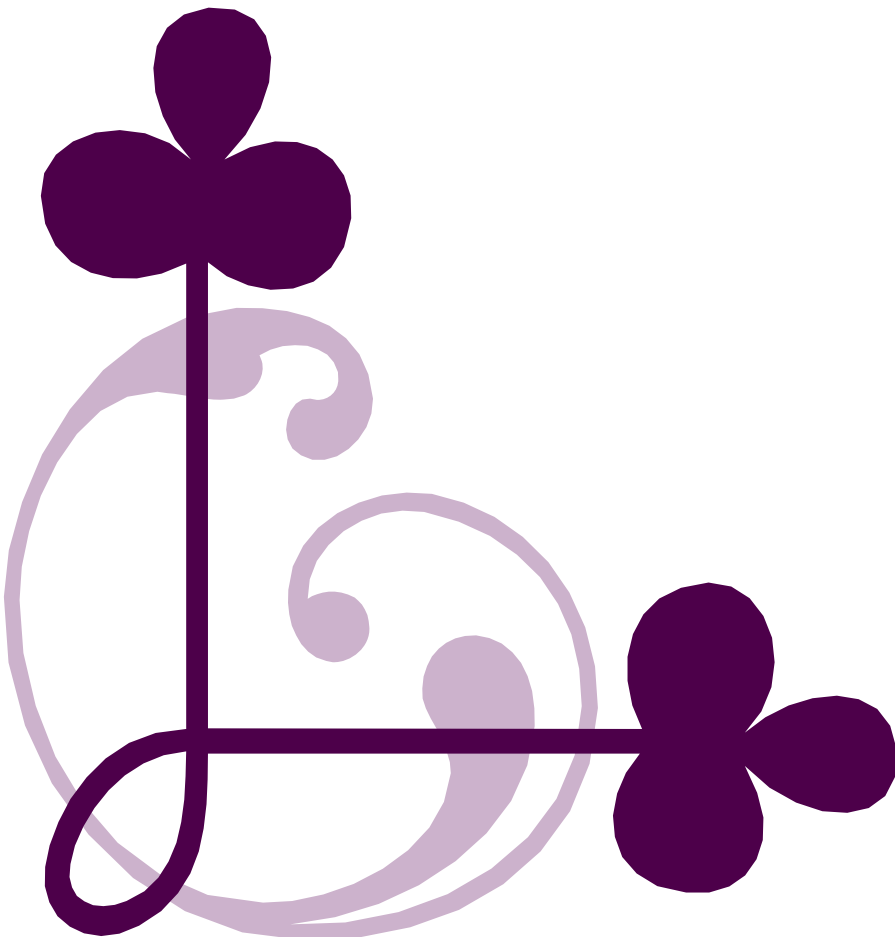
-- امام صادق علیه السلام فرمودند: دو رکعت نمازی که متاهل می خواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که مجرد می خواند.

## ثواب خوشحال نمودن مؤمن

— امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی نمودند: همانا بنده ای بندگانه حسنه ای را انجام می دهد و من بهشتی را بر او حلال می کنم . داود علیه السلام پرسید: پروردگارا! آن حسنه کدام است؟ فرمود: خوشحال کردن بنده مومنینم ، گرچه با یک دانه خرما. داود علیه السلام عرض کرد: پروردگارا! هر کس که تو را شناخت ، شایسته است امید خود را از تو قطع نکند.

## \* ثواب بسم الله گفتن هنگام ورود به مستراح

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: زمانی که کشف عورت برای بول یا غیر از آن می کنی (بسم الله ) بگو شیطان چشم بر هم می گذارد تا کارتان تمام شود.



بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النَّوْرِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ

بنام خدا نور (عالم) بنام خدا نور نور (جهان هستی) بنام خدا که نوری است فوق نور بنام خدایی

الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

که تدبیرکننده کارهاست بنام خدایی که نور (عالم) را از نور (خود) آفرید ستایش خاص خدایی است

الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ وَأَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ

که آفرید نور را از نور و نازل فرمود نور را بر کوه طور در میان نامه

مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنُشُورٍ بِقَدَرٍ مَّقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ

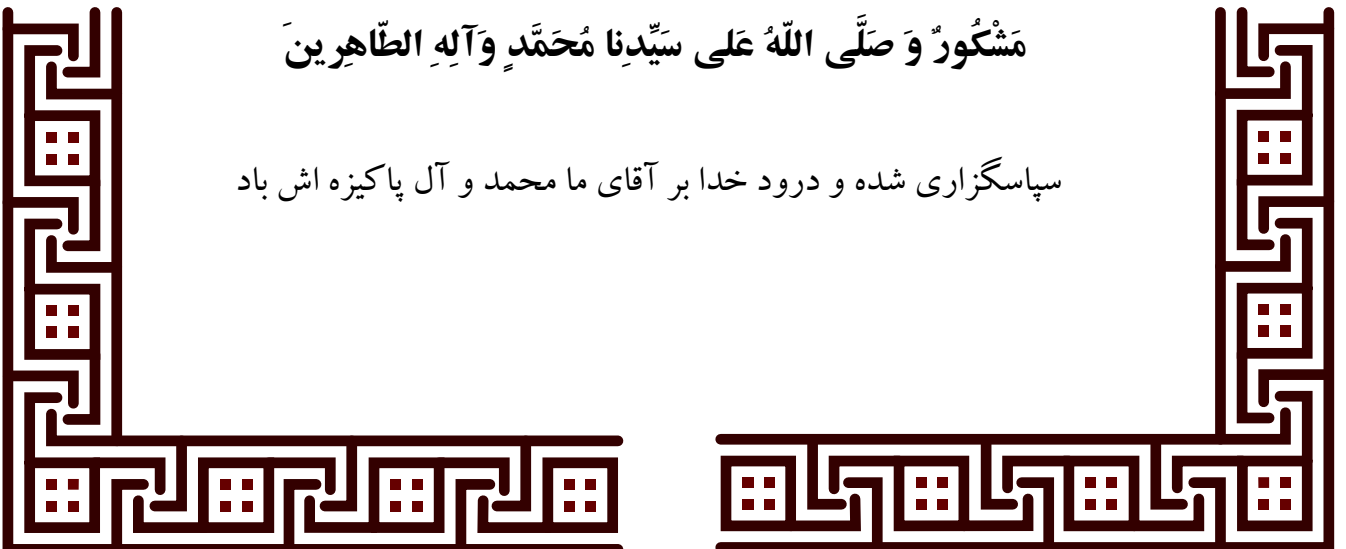
نوشته شده و ورقه ای گشوده به اندازه معین بر پیامبری دانشمند، ستایش خاص خدایی است

الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

که او به عزت و شوکت یاد شده و به فخر مشهور است و در هر حال در خوشی و ناخوشی

مَشْكُورٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

سپاسگزاری شده و درود خدا بر آقای ما محمد و آل پاکیزه اش باد



## بشنو از دل



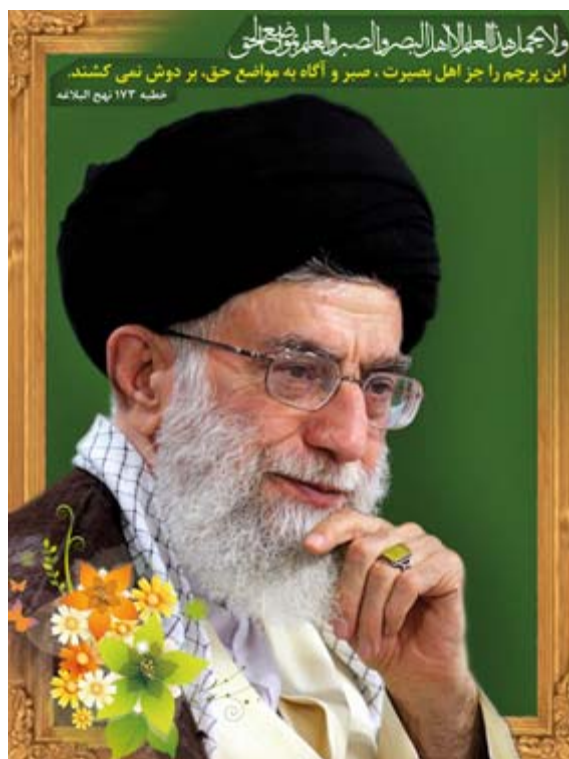
بشنو از نی ، نی حصیری بی نواست

بشنو از دل ، دل حریم کبریاست

نی بسوزد خاک و خاکستر شود

دل بسوزد خانه ی دلبر شود ....

# بصیرت چیست؟



بصیرت یعنی اینکه بدانیم

شمیری که سراز تن حسین (علیه السلام) برید

همان جانباز صفین است

که تا مرز شهادت پیش رفت

امام خامنه ای

## بنیان های فتنه دجال

فتنه ی دجال بزرگ ترین فتنه ای خواهد بود که جهان آفرینش به خود دیده است به عبارتی این فتنه تکامل یافته ی تمام فتنه ها در طول تاریخ بشر است تا جایی که همه ی فتنه ها در طول تاریخ هر کدام قطعه ای برای تکمیل پازل فتنه ی دجال بوده است: هیچ فتنه ی کوچک و بزرگی در دنیا به وجود نیامده است مگر برای شکل گیری فتنه ی دجال. (۱)

### **قتل عام ملتها، چپاول ثروتها، لجام گسیختن از شهوت ها**

چهار فتنه در پیش رویتان می باشد: در فتنه ی نخست خونریزی حلال شمرده می شود، در فتنه ی دوم علاوه بر خونریزی چپاول اموال حلال شمرده می شود، در فتنه ی سوم علاوه بر خونریزی و چپاول اموال تجاوز به عنف و ناموس حلال شمرده می شود و آنگاه فتنه چهارم دجال خواهد بود. (۲)

### **زن پرستی، عقل ستیزی، ثروت طلبی**

امام علی (ع) در حدیثی هشدار بخش بنیان فتنه ها که عظیم ترین آن دجال است را سه امر معرفی فرمودند: بنیان فتنه ها سه چیز است: زن دوستی که آن شمشیر شیطان است، شراب خواری که آن دام شیطان است و ثروت دوستی که آن نیزه ی شیطان است. (۳)

«حب النساء» به معنای محبت و گرایش افراطی نسبت به زنان که در دوران معاصر با گرایش فمینیسم یا زن گرایی در نظام مادی گری و با گرایش افراطی زن پرستی و لذت جویی در آیین شیطان پرستی مطابقت دارد، «شرب الخمر» به معنای گرایش به سوی عقل ستیزی با استفاده از مست کننده ها می باشد که می تواند تمام مشروبات الکلی مست کننده و تمام گونه های مواد مخدر و روان گردان را دربر بگیرد، «حب الدرهم و الدینار» به معنای محبت افراطی به ثروت طلبی که مهم ترین مصداق آن را می توان نظام مادی گرایی محض که بر مردم جهان سیطره یافته است برشمرد.

بنیان های اصلی فتنه ی دجال را تا بدین جا می توان چنین برشمرد:

#### **۱- خونریزی عمومی و قتل عام ملت ها**

#### **۲- ثروت طلبی و چپاول اموال و ثروت ها**



۳- لذت جویی و لجام گسیختگی شهوت ها

۴- عقل ستیزی با استفاده از مشروبات مست کننده، مواد تحذیر کننده و روان

گردانها

فتنه ی عظیم دجال دارای بنیان هایی مهم است که خلاصه وار عبارتند از:

۵- ادعای خدایی و ربوبیت

۶- استخدام جنیان و شیاطین

۷- استفاده ی گسترده از سحر و شعبده و جادو

۸- ترویج شکم پرستی و سوء استفاده از عنصر غذا

۹- بهره گیری از تصویرسازی های دروغ دجال که با آنها زشت را زیبا و زیبا را

زشت، بهشت را جهنم و جهنم را بهشت و حق را باطل و باطل را حق جلوه می

دهد.

**دجال و ادعای ربوبیت**

داعیه ی خدایی از اصلی ترین ویژگی های دجال است. دجال در ابتدا داعیه ی نبوت و پیامبری

می کند و آنگاه به تدریج ادعای خدایی می نماید. (۵)

تا جایی که با بالاترین صدا در میان مردم جهان ندای «أنا ربکم الأعلى» سر می دهد:

دوستان و اولیای من به سویم بشتابید، همانا من برترین پروردگار شمایم که شما را آفرید و تناسب

بخشید و تقدیر کرد و هدایت نمود. (۶)

دجال با استفاده از ابزارهایی که دارد این ندا را به گوش شرق و غرب عالم (۷) می رساند تا هر

یک از آنان به زبان خویش این پیام ندا را دریابد. (۸)

دجال با استفاده از سحر و جادو و تصرف در چشم مردمان کارهای شکفت انگیزی انجام می

دهد. او به ظاهر در حرکت خورشید تصرف می نماید و به ظاهر آن را به حرکت یا سکون وامی

دارد و ندا می دهد: «من پروردگار جهانیانم این خورشید به اجازه ی من حرکت می کند. آیا

مایید آن را از حرکت باز دارم؟»

آنگاه خورشید را به ظاهر آنچنان از حرکت باز می دارد که یک روز مانند یک ماه جلوه می

کند، سپس می گوید: آیا مایلید آن را به حرکت وادارم؟ پس خورشید را چنان به حرکت در می

آورد که یک روز همچون یکساعت جلوه می نماید. (۹)

در مقامی دیگر دجال بر شخصی تسلط می یابد. به ظاهر او را می کشد و زنده می نماید. آنگاه می گوید: آیا من پروردگار تو نیستم که زنده می نمایم و می میرانم؟ در این میان آنان که ادعای خدایی دجال را می پذیرند در دریای فساد غرق می گردند و آنان که از او رو بر می گردانند و به یکتایی خدا اقرار می نمایند از فتنه ی دجال محفوظ می مانند. (۱۱)

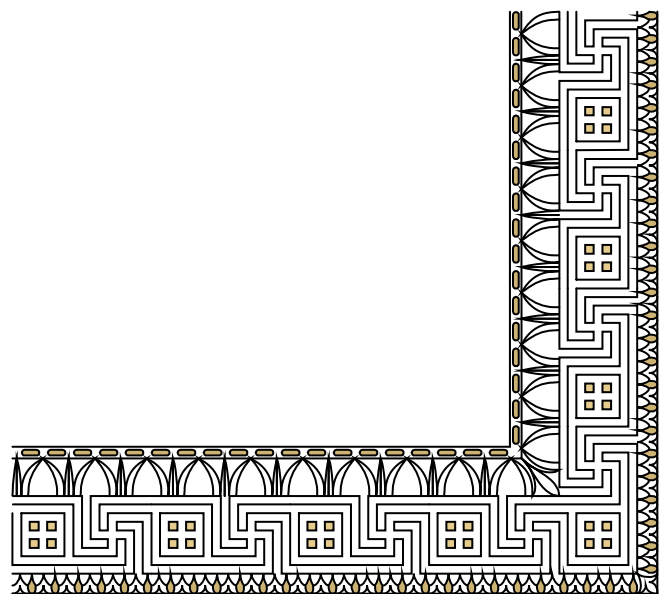
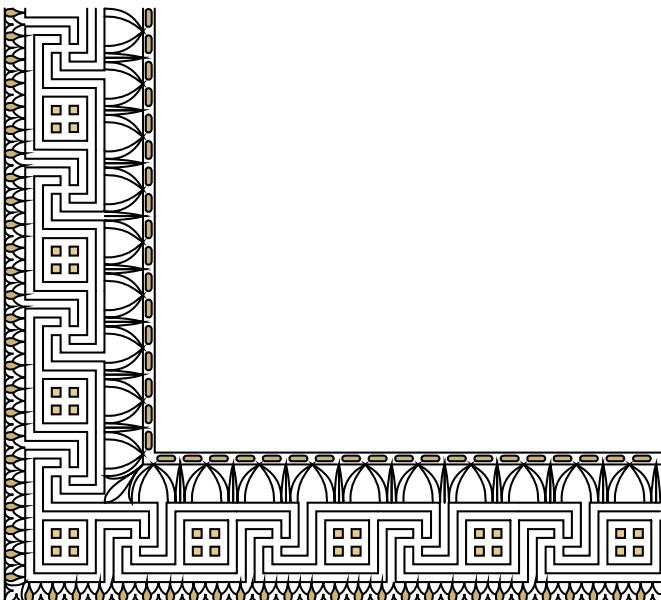
زنی پس از باور به خدایی دجال از او می خواهد همسرش را زنده گرداند. دجال شیطانی را فرامی خواند تا به چهره ی همسر آن زن پیش روی او ظاهر شود. آن زن شیطان را به جای همسر زنده شده ی خویش باور می کند تا جایی که با آن شیطان زندگی می کند و با او همبستر می شود غافل از این که با شیطان هم آغوش گشته است. (۱۲) بدین سان پیروان دجال خانه هایشان از حضور شیاطین پر می شود. (۱۳)

«و هر آن که از یاد خدای رحمن دوری گزیند شیطانی را برای او برمی گماریم تا همواره قرین و همنشین او باشد» (۱۴)

مردان عرب پس از اقرار به خدایی دجال از او می خواهند که شتران و گوسفندانشان را که در طول قحطی تلف شده اند زنده کند. دجال گروهی از شیاطین را که به چهره ی شتران درآمده اند به آنها می بخشد و آنان با شادمانی می گویند: اگر او خدای ما نبود شتران و گوسفندان مرده ی ما را زنده نمی ساخت. (۱۵)

#### پی نوشت:

- ۱- معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۴۲؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۳۸۹ // ۲- همان، ص ۹۳؛ ابن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۵۴ // ۳- ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲۳۵۹ // ۴- معجم احادیث الامام مهدی، ج ۳، ص ۶۹ // ۵- همان، ص ۲۸ // ۶- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۵ // ۷- همان // ۸- مسند احمد، ج ۳، ص ۷۹ // ۹- ابن حماد، الفتن، ج ۲، ص ۵۴۳ // ۱۰- مسند احمد، ج ۵، ص ۲۲۱ // ۱۱- همان، ص ۱۳ // ۱۲- ابن حماد، الفتن، ج ۲، ص ۵۴۳ // ۱۳- الدر المنثور، ج ۳، ص ۶۱ // ۱۴- سوره زخرف // ۱۵- سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۸۹ // ۱۶- سررسید به سوی ظهور، ص



## به دنبال خدا نگرد!



به دنبال خدا نگرد، خدا در بیابان های خالی از انسانها نیست، خدا در جاده های تنهای بی انتها نیست. خدا آنجاست، در جمع عزیزترین هایت، خدا در دستت است که به یاری می گیری، در قلبیست که شاد می کنی، در لبخندیست که بر لب می نشانی، خدا در بتکده و مسجد نیست، در عطر خوش نان است، در جشن و سرور است که به پا می کنی.



به کوچه ای رسیدم که پیرمردی

از آن خارج میشد

به من گفت : نرو که بن بسته!

گوش نکردم ، رفتم

وقتی برگشتم و به سر کوچه

رسیدم

پیر شده بودم . .



به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

اونی که زود میرنجه زود میره، زود هم برمیگرده. ولی اونی که دیر میرنجه دیر میره، اما دیگه برنمیگرده...

به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

رنج را نباید امتداد داد باید مثل یک چاقو که چیزها را می‌بره و از میانشون می‌گذره از بعضی آدم‌ها بگذری و برای همیشه قائله رنج آور را تمام کنی.

به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

بزرگ‌ترین مصیبت برای یک انسان اینه که نه سواد کافی برای حرف زدن داشته‌باشه نه شعور لازم برای خاموش ماندن.

به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

مهم نیست که چه اندازه می‌بخشیم بلکه مهم اینه که در بخشایش ما چه مقدار عشق وجود داره.

به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

شاید کسی که روزی با تو خندیده رو از یاد ببری، اما هرگز اونی رو که با تو اشک ریخته، فراموش نمیکنی.

به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

توانایی عشق ورزیدن؛ بزرگ‌ترین هنر دنیاست.

به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

از درد های کوچیکه که آدم می‌نال؛ ولی وقتی ضربه سهمگین باشه، لال می‌شه.

به یک‌جایی از زندگی که رسیدی، می‌فهمی

اگر بتونی دیگری را همونطور که هست بپذیری و هنوز عاشقش باشی؛ عشق تو کاملاً واقعیه.

به یک جایی از زندگی که رسیدی، می فهمی  
همیشه وقتی گریه می کنی اونی که آرومت میکنه دوستت داره اما اونی که با تو  
گریه میکنه عاشقته.

به یک جایی از زندگی که رسیدی، می فهمی  
کسی که دوستت داره، همش نگرانته. به خاطر همین بیشتر از اینکه بگه دوستت  
دارم میگه مواظب خودت باش.

### و بالاخره خواهی فهمید که:

همیشه یک ذره حقیقت پشت هر "فقط یه شوخی بود" هست.

یک کم کنجاوی پشت "همین طوری پرسیدم" هست.

قدری احساسات پشت "به من چه اصلا" هست.

مقداری خرد پشت "چه میدونم" هست.

و اندکی درد پشت "اشکالی نداره" هست.



زندگی چون گل سرخ است

پر از عطر... پر از خار... پر از برگ لطیف...

یادمان باشد اگر گل چیدیم

عطر و برگ و گل و خار همه همسایه دیوار به دیوار همند!...

## بهلول دانا

بهلول (بهلول دانا، بهلول مجنون کوفی یا ابو وهیب بن عمرو صیرفی کوفی) یکی از عقلای مجانبین سده دوم هجری و معاصر هارون الرشید بود. وی در کوفه نشو و نما یافت و مردم محل او را با نام فارسی بهلول دانامی نامیدند. هارون و خلفای دیگر از او موعظه می طلبیدند. او در همان شهر ادب می آموخت و سپس خود را به دیوانگی زد. او در سال ۱۹۰ قمری درگذشت. اخبار و نوادر و اشعار زیادی به وی منتسب است.

وی شیعه و احتمالاً در سال ۱۸۸ ق / ۸۰۴م بود که هارون الرشید را ملاقات کرد بهلول را از شاگردان امام جعفر صادق (علیه السلام) دانسته‌اند. زمانی که از سوی هارون الرشید در معرض خطر قرار گرفت خود را به جنون زد ولی در مواقع لزوم به مردم پند و اندرز می داد .

بهلول به معنی «مرد خندان» یا «کسی که خوبی‌های زیادی دارد» می باشد. علمای شیعه بطور معمول از جمله نورالله شوشتری و صاحب روضات الجنات بهلول را از عرفا، زهاد، حکما، فقها و شعرای شیعه می دانند .



مقبره بهلول در بغداد قرار دارد و سنگ قبری به تاریخ ۵۰۱ قمری لقب او را «سلطان مجذوب» نوشته‌است. واژه بهلول در عربی به معنای «شاد و شنگول» است

بهلول به معنای گشاده رو و صاحب صورت زیبا و

جامع خیرات اطلاق می‌گردد. این اسم را برای

اشخاص بذله گو و در عین حال حق گو و حاضر

جواب نیز به کار می‌برند. اشخاصی دیگری هم به این

اسم بوده اند ولی بهلول معروف، همان شخصی است

که در زمان هارون الرشید می‌زیسته و از شاگرد های

مخصوص امام جعفر صادق (علیه السلام) بوده و از

محبان اهل بیت محسوب شده است و به روایتی برادر

مادری هارون الرشید و به روایت دیگر از بستگان

نزدیک هارون عباسی بوده است.

بهلول از افاضل عقلای زمان هارون الرشید و به

مصلحتی خود را به دیوانگی زده بود. از بنی اعمام

هارون الرشید عباسی و از شاگرد های خاص امام

جعفر صادق (علیه السلام) بوده و در زمره متقیان عصر

هارون الرشید می باشد. محل تولد او شهر کوفه و اسم

اصلی او «وهب بن عمرو» است. دیوانگی او بدین

لحاظ بوده که چون هارون الرشید برای بقای خلافت

و حفظ سلطنت بیهم زیاد از امام هفتم موسی بن جعفر

(علیه السلام) داشت درصدد از بین بردن حضرت

برآمد و به دنبال بهانه ای بود آن امام به حق را به

درجه شهادت برساند و برای این کار آن حضرت را

متهم بداعیه خروج نمود و از متقیان زمان خود که از

آن جمله بهلول بود استفتاء به قتل امام معصوم نمود!

دیگران فتوا دادند ولی بهلول با رأی آن ها مخالفت

نمود. فوری به خدمت امام رفت و صورت واقعه را به

عرض رساند و التماس نمود تا آن حضرت او را ارشاد

نماید و چاره فرماید. در آن وقت امام به او دستور داد

که به دیوانگی تظاهر نماید. این بود که بهلول به

مقتضای دستور امام واجب الاطاعة، خود را به

دیوانگی زد و از تکلیف و قصاص هارون الرشید

خلاصی یافت و در این حال حرف حق از مظلومین را

بدون ترس ولی با بیانی مجنون وار و شیرین بیان

دفاع می نمود و گاه خلیفه وقت و ارکان دولت را با

بیانات خود رسوا و محکوم می ساخت. با این وصف

مردم به فضل و کمال او ایمان داشته و حکایات

مطالب او را سرمشق قرار می دادند و هنوز در این

عصر بیشتر حکایات او در محافل ذکر و از آن ها پند

گرفته می شود.

اما این روایت ضعیف است. چون خیلی بعید است که

معصوم (علیه السلام) شخص عاقلی را صریحا امر کند

که خود را به دیوانگی بزند، آنچه صحیح تر به نظر می

رسد بدینگونه است که؛ چند تن از صاحبه و دوستان

خاص امام (علیه السلام) که به مناسبت دوستی آن

حضرت تحت تعقیب قرار گرفته بودند با مشورت

همدیگر به خدمت امام (علیه السلام) رسیدند و کسب

تکلیف نمودند. امام (علیه السلام) جواب آن ها را با  
یک حرف تحجی نمودار ساختند و آن فقط حرف  
«ج» بود، آن سه نفر دریافتند که جایز نیست بیش از  
این سؤال کنند. پس هر کدام آن را طوری تعبیر  
کرده و از خدمت امام مرخص شدند. یکی از آن ها  
«ج» را جلاء وطن دانسته و دیگری جبال تعبیر کرد و  
از شهر خارج شدند. بهلول آن را جنون دانسته و خود  
را به دیوانگی زد و همگی از آن خطر در امان ماندند.

### سیمای بهلول عاقل

... و راه او شیوه‌ای دیگر در دفاع از ولایت و گریز از  
دوزخ در زمانه بیداد و ستم بود. در شهر کوفه دیده به  
جهان گشود و آرام آرام چنان دیگر مردان حق راه  
سعادت پیمود کوفه زادگاه فرزانه‌گانی بیشمار و زاد  
مردانی فرهیخته بود که در پرتو انوار هدایت و امامت  
تشیع نور افشانی می کردند. آن دیار، جنب و

جوش مردان بزرگی را به یاد دارد که هر یک  
افتخارانی فراموش ناشدنی در راه حقیقت خلق کردند.

و اینک نیز به تماشای یکی از آن مردان خدایی  
می‌نشینیم.

پدرش که عموی هارون الرشید خلیفه عباسی بود،  
«عمرو» نام داشت. عمرو کوفی فرزندی داشت که  
نامش را «وهب» نهاده بود و کنیه‌اش «ابو وهب» نام  
گرفت. اما این فرزند خوشنام کوفی، در میان مردم به  
«بهلول» معروف شده بود.

آری، «بهلول عاقل» همان مردی است که برخی  
دشمنان کم‌خرد، وی را «بهلول دیوانه» نام نهاده  
بودند.

دل آن عاقل اندیشمند، برغم اینکه خود از عباسیان به  
شمار می‌رفت، همچون برخی دیگر از کوفیان حق  
طلب، جلوه‌گاه نور ولایت و تشیع گردید.

در آن زمان، امام صادق (علیه السلام) از شهر مدینه نورافشانی می کرد و هدایت امت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را بر عهده داشت.

کوفه نیز یکی از آن شهرهایی بود که مردان بسیاری از آن برخاسته، با حرکت به سوی مدینه، چونان پروانه های عاشق بر گرد صادق آل محمد (علیه السلام) می چرخیدند.



## بیا قبل از وقوع مرگ روشن کن حسابت را



دلت را خانه ما کن، مصفا کردنش با من  
به ما درد دل انشا کن، مداوا کردنش با من  
اگر گم کرده ای ای دل کلید استجابت را  
بیا یک لحظه با ما باش، پیدا کردنش با من  
بیفشان قطره ای اشکی که من هستم خریدارش  
بیاور قطره ای اخلاص، دریا کردنش با من  
اگر درها به رویت بسته شد دل بر مکن باز آی  
در این خانه دق الباب کن، وا کردنش با من  
به من گو حاجت خود را اجابت می کنیم آن را  
طلب کن آنچه می خواهی، مهیا کردنش با من  
چو خوردی روزی امروز ما را شکر نعمت کن  
غم فردا مخور، تامین فردا کردنش با من  
به قرآن آیه رحمت فراوان است ای انسان  
بخوان این آیه ها، تفسیر و معنا کردنش با من  
بیا قبل از وقوع مرگ روشن کن حسابت را  
بیاور نیک و بد را، جمع و منها کردنش با من  
اگر عمری گنه کردی مشو نومید از رحمت  
تو توبه نامه را بنویس، امضا کردنش با من

## بیاید زودتر توبه کنیم!



این روزها بساط گناه داغ داغ است. بسیاری از کارها در ابتدای راه گناه به نظر نمی‌رسند. شیطان با ابزار گوناگون چنان ظاهرسازی می‌کند که گاه معصوم‌ترین افراد را نیز با خود همراه می‌سازد. در این مسیر بخت با کسانی یار است که زودتر متوجه شوند و راه بازگشت را بیابند.

از قدیم گفته‌اند دنیا دار مکافات است. این مکافات برای هر کس شکل و رنگ خاصی می‌تواند داشته باشد. سختی و مشکل برای هر انسانی به شکلی جلوه‌گر می‌شود و در جهان به این بزرگی هیچ کسی را نمی‌توان یافت که در خوشی کامل به سر ببرد. در این میان برای جوان، آن هم یک جوان مسلمان سخت‌ترین مشکل این است که در بین این همه زیبایی و لذت جان خود را از بدی‌ها دور نگاه دارد و سراغ ابزار لهو و لعب که روز به روز بیش‌تر هم می‌شوند نرود. اما از آن سخت‌تر این است که اگر رفت بتواند چشم از گناه بشوید و با توبه و استغفار جان خود را تازه کند.

این روزها بساط گناه داغ داغ است. بسیاری از کارها در ابتدای راه گناه به نظر نمی‌رسند. شیطان با ابزار گوناگون چنان ظاهرسازی می‌کند که گاه معصوم‌ترین افراد را نیز با خود همراه می‌سازد. در این مسیر بخت با کسانی یار است که زودتر متوجه شوند و راه بازگشت را بیابند. نقشه کارآمدی که شیطان از قدیم الایام برای جوانان داشته و هنوز نیز از آن به خوبی استفاده می‌کند آن است که ای جوان! تا جوانی، جوانی کن. وقتی پیر شدی توبه خواهی کرد و آن‌قدر جهان را زیبا در نظرش جلوه‌گر می‌سازد که فراموش می‌کند دوستانش را که در سنین جوانی دار



فانی را وداع گفتند و غافل می‌گردد که شاید فردا نوبت او باشد و بدون آنکه پیری را تجربه کند به سوی حق رهسپار شود.

خداوند متعال و ائمه (علیهم السلام) برای توبه جوانان ارزش فزاینده‌ای قائل هستند و آنچه از بررسی کلمات این بزرگواران به دست می‌آید آن است که بازگشت جوان به سوی خداوند ارزشمندتر از توبه افرادی است که عمری از آنان گذشته و پس از تجربه گناهان فراوان به سوی حق بازگشته‌اند.

**پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: ما من شیء احب الله تعالی من شاب تائب؛ هیچ کس پیش خداوند محبوب‌تر از جوان توبه‌کار نیست**

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در جهان کنونی باید انجام داد تا از دام‌های شیطان در امان ماند تقویت نیروی عقل می‌باشد. امام صادق (علیه السلام) در روایتی به هشام چنین می‌فرماید:

... «يا هِشامُ الصَّبْرُ عَلَى الْوَحْدَةِ عَلَامَةُ قُوَّةِ الْعَقْلِ فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا وَالرَّاعِينَ فِيهَا وَرَغِبَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ أُنْسَهُ فِي الْوَحْشَةِ وَصَاحِبَهُ فِي الْوَحْدَةِ وَغَنَاهُ فِي الْعَيْلَةِ وَمُعِزَّهُ مِنْ غَيْرِ عَشِيرَةٍ...؛ ای هشام! صبر بر تنهایی نشانه قوت عقل است.

**کسی که از خدا خردمندی گرفت از اهل دنیا و دنیاطلبان کناره گیرد و به آنچه نزد خداست پردازد و خدا انیس وحشت او و یار تنهایی او و اندوخته هنگام تنگدستی او و عزیزکننده اوست بی‌فامیل و تبار»** (أصول الكافي، ترجمه مصطفوی، ج ۱،

ص ۱۹ و ۲۰)

زندگی در این جهان پر هیاهو بسیار مشکل است. آدمی برای حفظ جان خویش از گناه بایستی از ابزارهای گوناگونی بهره‌گیرد. یکی از بهترین این وسایل عقل است. بررسی آیات و روایات حاکی از این مسئله می‌باشد که عقل از جایگاه بسیار بالایی نزد خداوند متعال و ائمه (علیهم السلام) برخوردار است. البته باید این نکته را در نظر قرار داد که عقلی که در آیات و روایات مورد تأیید قرار گرفته است، عقل تبعیت‌کننده از قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و

جانشینان به حقشان می‌باشد و منظور از تعقل در منابع دینی، تعقل قرآنی خالص به دور از آرا و اصطلاحات فلسفی، عرفانی و غیره است.

**اگر فردی از نیروی عقلانی خوبی برخوردار باشد می‌تواند در مواقع حساس راه صحیح را تشخیص دهد. جوان عاقل می‌داند برای شناخت راه صحیح نباید به این توجه نماید که کدام سمت افراد بیش‌تری را در خود جای داده است بلکه باید سنجیده عمل کند و با بهره‌گیری از تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) راه خویش را پیدا نماید.**



زمانی که نادرستی مسیر برای انسان عاقل مسجل گردد راه خویش را تغییر می‌دهد حتی اگر دوستان و آشنایانش همچنان بر اشتباه خویش پافشاری نمایند. چنین فردی می‌داند که خیلی زود دیر می‌شود و ممکن است فردا زمانی برای جبران باقی نماند.

در این زمان است که ابواب رحمت الهی بر وی گشوده خواهد شد و در آغوش امن الهی قرار خواهد گرفت. زمانی که جوان تصمیم به توبه می‌گیرد خداوند پیش از او به سویش خواهد رفت و مسیر را برایش هموار خواهد ساخت. ملائکه به پیشواز او خواهند رفت و علاوه بر پاداش اخروی در نعمات دنیوی نیز غوطه‌ور خواهد بود و به جایگاهی خواهد رسید که پیش از این فکرش را نیز نمی‌کرد. خداوند خود در قرآن و ائمه (علیهم السلام) در روایات به مؤمنان وعده داده‌اند و وعده آنان حق خواهد بود.

**این روزها بساط گناه داغ داغ است. بسیاری از کارها در ابتدای راه گناه به نظر نمی‌رسند. شیطان با ابزار گوناگون چنان ظاهرسازی می‌کند که گاه معصوم‌ترین افراد را نیز با خود همراه می‌سازد. در این مسیر بخت با کسانی یار است که زودتر متوجه شوند و راه بازگشت را بیابند**

حال اگر کسی بداند کارش اشتباه است و بر کار ناصواب خویش با بهانه‌هایی چون سختی، خجالت، تنهایی و ... پافشاری کند غضب الهی دامان او را خواهد گرفت چرا که با دست خویش رحمت خداوند را از خود دور ساخته است.

اگر انسان لذت توبه و نزدیکی به خداوند را تجربه نماید دیگر حاضر نیست لحظه‌ای را به دور از او سپری نماید. تمام امور در دستان اوست و رحمتش تنها شامل کسانی خواهد شد که رو به سویش آورده باشند.

### ارزش توبه جوانی در روایات

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

ما من شیء احب الله تعالی من شاب تائب (آثار الصادقین ، ج ۲ ، ص ۱۶۶) ؛ **هیچ کس**

**پیش خداوند محبوب تر از جوان توبه کار نیست.**

شاب تائب اجره کاجر یحیی بن زکریا. (همان ص ۱۶۶)

**پاداش جوان توبه کننده چون اجر یحیی بن زکریای**

**پیامبر است.**

و حضرت علی علیه السلام نیز می فرمایند:

ستة اشیاء حسن و لكنها من احسن ... و التوبه حسن و هی من الشباب احسن (مواظب العددیه ، ص

(۲۹۸)

**شش چیز نیکو است ولیکن از شش کس نیکوتر است ، از**

**جمله : توبه نیکوست و لکن توبه از جوانان ، نیکوتر است.**





پروردگارا

به من آرامش ده

تا بپذیرم آنچه را که نمی توانم تغییر دهم

دلیری ده

تا تغییر دهم آنچه را که نمی توانم تغییر دهم

بینش ده

تا تفاوت این دو را بدانم

مرا فهم ده تا متوقع نباشم دنیا و مردم آن مطابق میل من

رفتار کنند

مناجاتی از آیت الله حسن زاده آملی

الهی! از من آهی و از تو نگاهی. الهی! عمری آه در بساط

نداشتم و اینک جز آه در بساط ندارم. الهی! غبطه ملایکه ای را

می خورم که جز سجود نمی دانند، کاش حسن از ازل تا ابد در

یک سجده بود. الهی! تا کی عبدالهوی باشم، به عزت تو عبدالهو

شدم. الهی! سست از آن که مست تو نیست کیست؟ الهی! همه

این و آن را تماشا کنند و حسن خود را، که عجیب تر از خود

نیافت . الهی ! دل بی حضور چشم بی نور است ، این دنیا را نمی  
بیند و آن ، عقبی را. الهی ! همه حیوانات را در کوه و جنگل می  
بینند و حسن در شهر و ده . الهی ! هر که شادی خواهد بخواند،  
حسن را اندوه پیوسته و دل شکسته ده . الهی ! آن که خوب را  
حباله اصطیاد مبشرات نکرده است ، کفران نعمت گرانبھائی کرده  
است . الهی ! مراجعات از مهاجرت به سویت تعرب بعد از هجرت  
است و تویی که نگهدار دل هایی . الهی ! آن که در نماز جواب  
سلام نمی شنود، هنوز نماز گزار نشده ، ما را با نماز گزاران بدار.  
الهی ! خوشا آن که بر عهدش استوار است و همواره محو دیدار  
است . الهی ! آن کس تاج عزت بر سر دارد که حلقه ارادتت را  
در گوش دارد و طوق عبودیت را در گردن

**الهی! بیاموز تا سرّ دین بدانیم، بفروز تا در تاریکی**

**نمانیم. تلقین کن تا آداب شرع بدانیم.**

**تو نواز که دیگران ندانند. تو بساز که دیگران نتوانند. همه را**

**از خود پرستی**

**رهایی ده، همه را بخود آشنایی ده، همه را از مکر شیطان**

**نگاهداری، همه را از**

**آفت نفس آگاه دار الهی!**

گر مردودم و گر مقبولم ، تو خود شاهدهی که به یادت  
مشغولم...

دل عاشق به پیغامی بسازد خمار آلوده با جامی بسازد  
مرا کیفیت چشم تو کافیت ریاضت کش به بادامی بسازد  
یا رب ز ره راست نشانی خواهیم  
وز باده آب و خاک جانی خواهیم  
از نعمت خود چو بهره مندم کردی  
در شکرگزاریت زبانی خواهیم

بسان درخت توحید است ، میوه ی این درخت ظهور صفات  
خدایی است و تا این ثمره را نداده کامل نیست حد کمال انسان  
این است که به خدا برسد یعنی مظهر صفات حق شود

پس سعی کنیم که صفات خدایی در ما زنده شود: او کریم است  
ما هم کریم باشیم . او رحیم است ما هم رحیم باشیم. او ستار است  
ما هم ستار باشیم....

اگر می خواهی خدا تو را صدا کند قدری معرفت پیدا کن و با  
او معامله کن....

زهر چه غیر یار استغفر الله ز بود مستعار استغفر الله  
دمی کان بگذرد بی یاد رویش از آن دم بی شمار استغفر الله  
زبان کان تر به ذکر دوست نبود ز سرش الحذر استغفر الله  
سر آمد عمر ویک ساعت ز غفلت نگشتم هوشیار استغفر الله  
جوانی رفت و پیری هم سر آمد نکردم هیچ کار استغفر الله

نذر کردم گر از این **غم** به در آیم روزی  
تا در میکده شادان و غزل خوان بروم

ای خدای من. ای آفریدگار من. ای همه ی هستیم

بر من این نعمت را ارزانی دار که:

بیشتر در پی تسلا دادن باشم تا تسلی یافتن

بیشتر در پی فهمیدن باشم تا فهمیده شدن

بیشتر پی دوست داشتن باشم تا دوست داشته شدن

زیرا در بخشیدن است که می یابیم

و در عفو کردن است که بخشیده می شویم

و در مردن است که حیات جاوید می یابیم

گفتم: خسته ام

گفت: \* لا تقنطوا من رحمة الله \*

"از رحمت خدا نا امید نشوید." (زمر/۵۳)

گفتم: انگار مرا فراموش کرده ای؟

گفت: \*فاذ کرونی اذ کرکم\*

"مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم." (بقره/۱۵۲)

گفتم: تا کی باید صبر کرد؟

گفت: \*وما یدریک لعل الساعه تکون قریباً\*

"تو چه می دانی! شاید موعدش نزدیک باشد" (احزاب/۶۳)

گفتم: تو بزرگی و نزدیکی برای من کوچک، خیلی دوره! تا آن

موقع چکار کنم؟

گفت: \*و اتبع ما یوحی الیک واصبر حتی یحکم الله\*

"کارهایی را که به گفتم انجام بده و صبر کن تا خدا خودش

حکم کند. (یونس/۱۰۹)

گفتم: تو خدایی و صبور! من بنده ات هستم و ظرف صبرم

کوچک است... یک اشاره کنی تمامه!

گفت: \*عسی ان تحبوا شیئاً وهو شرّ لکم\*

"شاید چیزی که تو دوست داری به صلاح نباشد!". (بقره/۲۱۶)

گفتم: انا عبدك الذلیل الضعیف... اصلاً چطور دلت میاد؟

گفت: \*ان الله بالناس لرؤف الرحیم\*

"خدا نسبت به همه ی مردم مهربان است"



گفتم: دلم گرفته

گفت: \* بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا\*

"(مردم به چی دلخوش کردن؟) باید به فضل و رحمت خدا شاد

باشند)" (یونس/۵۸)

گفتم: اصلاً بی خیال! تو کلت علی الله

گفت: \* ان الله يحب المتوکلین\*

"خدا آنهایی را که توکل می کنند دوست دارد." (آل عمران

/۱۵۹)

گفتم: خیلی چاکریم! ولی این بار انگار گفتمی که حواست رو

خوب جمع کن یادت باشه:

گفت: \* و من الناس من یعبد الله علی حرف فان اصابه خیر اطمان

به و ران اصابته فتنه انقلب علی وجهه خسر الدنیا و الآخرة\*

"بعضی از مردم خدا را فقط به زبان عبادت می کنند. اگر خیری

به آنها برسد امن آرامش پیدا می کنند و اگر بلایی سرشان بیاید

تا امتحان شوند رو گردان می شوند. به خودشان در دنیا و آخرت

ضرر می رسانند." (حج/۱۱)

گفتم: چقدر احساس تنهایی می کنم

گفت: \* فانی قریب\*

"من که نزدیکم" (بقره/۱۸۶)

گفتم: تو همیشه نزدیکی من دورم کاش می شد به تو نزدیک

شوم

گفت: واذکر ربک فی نفسک تضرعاً وخیفهً و دون الجهر من

القول بالغدو و الاصال \*

"هر صبح وعصر پروردگارت را پیش خودت با تضرع و خوف و

با صدای آهسته یاد کن" (اعراف/؟؟؟)

نا خواسته گفتم: الهی وربی من لی غیرک

گفت: \* ایس الله بکاف عبده \*

"خدا برای بنده اش کافیت" (زمر/؟؟)

گفتم در برابر این همه مهربانیت چه کنم؟

گفت: \* یا ایها الذین آمنوا اذکرو الله ذکرآ کثیرآ و سبحوه بکره

واصیلاً هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمت الی

النور و کان بالمومنین رحیماً \*

"ای مومنین! خدا را زیاد یاد کنید و صبح و شب تسبیحش کنید او

کسی است که خودش و فرشته هایش بر شما درود می فرستند تا

شما را از تاریکیها به سوی نور بیرون برند خدا نسبت به مومنین

مهربان است." (احزاب/؟!-؟)

گفتم: غیر از تو کسی را ندارم

گفت: \* نحن اقرب الیه من جبل الورید \*

"از رگ گردن به انسان نزدیکترم." (ق/۱۶)

گفتم ... :

گفت ... :

مناجات خواجه عبدالله انصاری

الهی! تو آنی که از احاطت اوهام بیرونی، و از ادراک عقل  
مصونی، نه مُدرک عیونی، کارساز هر مفتونی، و شادساز هر  
محزونی، در حکم، بی چرا، و در ذات بی چند، و در صفات  
بی چونی.

الهی! در جلال، رحمانی، در کمال، سبحانی، نه محتاج زمانی،  
و نه آرزومند مکانی، نه کسی به تو ماند، و نه به کسی مانی،  
پیداست که در میان جانی، بلکه جان زنده به چیزی است که  
تو آنی.

الهی! یکتای بی همتایی، قیوم توانایی، بر همه چیز بینایی، در  
همه حال دانایی، از عیب مصفایی، از شریک مبرآیی، اصل هر  
دوایی، داروی دلهایی، شاهنشاه فرمانفرمایی، معزز به تاج  
کبریایی، مسندنشین استغنائی، به تو رسد ملک خدایی.

الهی! نام تو، ما را جواز، مهر تو، ما را جهاز، شناخت تو، ما را  
امان، لطف تو، ما را عیان.

الهی! ضعیفان را پناهی، قاصدان را بر سر راهی، مؤمنان را  
گواهی، چه عزیز است آن کس که تو خواهی.

یا ربّ دل پاک و جان آگاهم ده آه شب و گریه سحرگاهم

در راه خود اول زخودم بی خود کن بی خود چو شدم زخود  
به خود راهم ده

الهی! از نزدیک نشانت می دهند و برتر از آنی، و دورت  
پندارند و نزدیکتر از جانی، تو آنی که خود گفتی، و چنان که  
خود گفتی، آنی، موجود نفسهای جوانمردانی، حاضر دلهای  
ذاکرانی.

الهی! جز از شناخت تو، شادی نیست، و جز از یافت تو،  
زندگانی نه، زنده بی تو، چون مرده زندانی است، و زنده به  
تو، زنده جاویدانی است.

الهی! فضل تو را کران نیست، و شکر تو را، زبان.  
من بی تو نمی قرار نتوانم کرد احسان تو را شمار نتوانم کرد  
گر بر تن من زبان شود هر مویی یک شکر تو از هزار نتوانم  
کرد

الهی! گرفتار آن دردم، که تو داروی آنی، بنده آن ثنائیم که  
تو سزاوار آنی، من در تو، چه دانم؟ تو دانی. تو آنی که  
مصطفی گفت، من ثنای تو را نتوانم شمرد آن گونه که تو  
خود بر نفس خویش ثنا گفتی.

الهی! جمال تو راست، باقی زشتند، و زاهدان مزدوران  
بهشتند!

در دوزخ اگر وصل تو در چنگ آید از حال بهشتیان مرا ننگ  
آید

ور بی تو به صحرای بهشتم خوانند صحرای بهشت بر دلم تنگ  
آید

الهی! با تو آشنا شدم، از خلائق جدا شدم و در جهان

شیداشدم، نهان بودم؛ پیدا شدم.

الهی! چون آتش فراق داشتی، دوزخ پر آتش از چه افراشتی.

الهی! هر که تو را شناخت، هر چه غیر تو بود بینداخت.

هر کس که ترا شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و

خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو هر دو جهان را

چه کند

الهی! از کشته تو، بوی خون نیاید، و از سوخته تو، بوی دود؛

چرا که سوخته تو، به سوختن شاد است و کشته تو، به کشتن

خشنود.

الهی! دلی ده، که در آن آتش هوی نبود، و سینه‌ای ده، که

در آن رزق و ریا نبود.

الهی! اگر یک بار گویی بنده من، از عرش بگذرد خنده من.

الهی! بر هر که داغ محبت خود نهادی، خرمن وجودش را به

باد نیستی در دادی.

الهی! من کیستم که تو را خواهم، چون از قیمت خود

آگاهم، از هر چه می‌پندارم کمترم، و از هر دمی که

می‌شمارم بدترم.

الهی! فراق، کوه را هامون کند، هامون را جیحون کند،

جیحون را پر خون کند. دانی که با این دل ضعیف، چون

کند؟

الهی! اگر مستم و اگر دیوانه‌ام، از مقیمان این آستانه‌ام،

آشنایی با خود ده که از کائنات بیگانه‌ام.

الهی! در سر آب دارم، در دل آتش، در ظاهر ناز دارم، در

باطن خواهش، در دریایی نشستم که آن را کران نیست. به  
جان من، دردی است که آن را درمان نیست، دیده من بر  
چیزی آید که وصف آن بر زبان نیست!  
پیوسته دلم از رضای تو زند جان در تن من نفس برای تو  
زند

گر بر سر خاک من گیاهی روید از هر برگی بوی وفای تو  
زند

الهی! اگر خامم، پخته‌ام کن، و اگر پخته‌ام، سوخته‌ام کن.  
الهی! مکش این چراغ افروخته را، و مسوزان این دل سوخته  
را، و مدّر این پرده دوخته را، و مران این بنده آموخته را.  
الهی از آن خوان که از بهر خاصان نهادی، نصیب من بینوا  
کو

اگر می‌فروشی، بهایش که داده و گری بهای می‌دهی بخش ما  
کو؟

تو لاله سرخ و لؤلؤ مکنونی من مجنونم، تو لیلیّ مجنونی  
تو مشتریان بابضاعت داری با مشتریان بی‌بضاعت چونی؟  
ای کریمی که بخشنده عطایی، و ای حکیمی که پوشنده  
خطایی، و ای صمدی که از ادراک ما جدایی، و ای احدی  
که در ذات و صفات بی‌همتایی، و ای قادری که خدایی را  
سزایی، و ای خالقی که گمراهان را، راهنمایی. جان ما را،  
صفای خود ده، و دل ما را، هوای خود ده، و چشم ما را،  
ضیای خود ده، و ما را از فضل و کرم خود آن ده، که آن به.  
این بنده چه داند که چه می‌باید جست داننده تویی هر آنچه  
دانی آن ده

الهی! فرمودی که در دنیا - بدان چشم که در توانگران  
می نگرند - به درویشان و مسکینان نگرند.  
الهی! تو کرمی و واولیتری، که در آخرت بدان چشم که در  
مطیعان نگری، در عاصیان نگری.  
الهی! آفریدی رایگان، و روزی دادی رایگان؛ پیامرز رایگان،  
که تو خدایی نه بازرگان.  
من بنده عاصیم رضای تو کجاست تاریک دلم نور و ضیای تو  
کجاست  
ما را تو بهشت اگر به طاعت بخشی آن بیع بود، لطف و عطای  
تو کجاست  
الهی! آنچه تو کشتی، آب ده، و آنچه عبدالله کشت، بر آب  
ده.  
الهی! مگوی که چه آورده‌اید که درویشانیم، و می‌پرس که چه  
کرده‌اید که رسوایانیم.  
الهی! ترسانم از بدی خود؛ پیامرز مرا به خوبی خود.  
الهی! اگر عبدالله را نمی نگری، خود را نگر، و آبروی من پیش  
دشمن مبر.  
الهی! علمی که افراشتی، نگوئسار مکن، و چون در آخر عفو  
خواهی کرد، در اول شرمسار مکن.  
الهی! همه از تو ترسند، و عبدالله از خود، زیرا که از تو همه  
نیکی آید و از عبدالله بدی.  
الهی! گر پرسی، حجت نداریم، و اگر بسنجی، بضاعت نداریم،  
و اگر بسوزی طاقت نداریم.  
الهی! اگر تو مرا به جرم من بگیری، من تو را به کرم تو

بگیرم، و کرم تو از جرم من بیش است.  
الهی! اگر دوستی نکردم، دشمنی هم نکردم، اگر بر گناه  
مصرّم، اما بر یگانگی تو مُقرّم.  
الهی! اگر توبه، بی گناهی است، پس تائب کیست؟ و اگر  
پشیمانی است، پس عاصی کیست؟  
الهی! از پیش خطر و از پس راهم نیست؛ دستم گیر که جز تو  
پناهم نیست.  
الهی! گهی به خود نگرم، گویم از من زارتر کیست؟ گهی به  
تو نگرم، گویم از من بزرگوارتر کیست.  
الهی! تو ما را جاهل خواندی، از جاهل جز خطا چه آید؟ تو  
ما را ضعیف خواندی، از ضعیف جز خبط چه آید؟  
الهی! اگر چه بسی طاعت ندارم، اما جز تو کسی را ندارم، ای  
دیر خشم و زود آشتی.  
الهی! همچنان بید، به خود می لرزم، که مباد آخر به جویی  
نیرزم.  
الهی! مگو چه آورده‌ای، که رسوا شوم، و مپرس چه کرده‌ای  
که روسیاه شوم.  
الهی! چون در تو نگرم، از جمله تاجدارانم و تاج بر سر، و  
چون بر خود نگرم، از جمله خاکسارانم و خاک بر سر.  
الهی! چون یتیم بی پدر گریانم، درمانده در دست خصمانم،  
خسته گناهم و از خویش برتوانم، خراب عمر و مفلس روزگار،  
من آنم.  
الهی! از دو دعوی به زینهارم، و از هر دو، به فضل تو فریاد  
خواهم: از آن که پندارم به خود چیزی دارم، یا پندارم که بر



تو حقی دارم.

الهی! اگر تو فضل کنی، دیگران چه داد و چه بیداد، و اگر عدل کنی، فضل دیگران چون باد.

الهی! ما در دنیا معصیت می کردیم، دوست تو محمد - صلی الله علیه و آله - غمگین می شد، و دشمن تو ابلیس شاد.

الهی! اگر فردای قیامت عقوبت کنی، باز دوست تو محمد - صلی الله علیه و آله - غمگین شود، و دشمن تو ابلیس شاد، دو شادی به دشمن مده، و دو اندوه بهر دل دوست منه.

الهی! مرکب وا ایستاد، و قدم بفرسود، همراهان برفتند و این بیچاره را جز حیرت نیفزود.

الهی! همه از «حیرت» به فریادند، و من از حیرت شادم! به

یک «لَبَّيْكَ» درب همه ناکامی بر خود بگشادم، دریغا

روزگاری که نمی دانستم تا لطف تو را دریازم.

خداوندا! در آتش «حیرت» آویختم چون پروانه در چراغ، نه جان رنج طپش دیده، نه دل الم داغ.

الهی! می بینی و می دانی، و بر آوردن، می توانی.

الهی! چون حاضری چه جویم، و چون ناظری چه گویم؟

الهی! هر روز که برمی آید، ناکس ترم، و چنان که پیش

می روم، واپس ترم!

الهی! تو بساز که دیگران ندانند، و تو نواز که دیگران نتوانند.

الهی! چون توانستم، ندانستم، و چون که دانستم، نتوانستم.

الهی! بیزارم از آن طاعتی که مرا به عجب آرد، و بنده آن معصیتیم که مرا به عذر آورد.

الهی! دانایی ده که از راه نیفتیم، و بینایی ده که در چاه

نیفتم.

الهی! هر که را عقل دادی، چه ندادی؟ و هر که را عقل  
ندادی، چه دادی؟!

الهی! اگر عالم باد گیرد، چراغ مُقبل کشته نشود، و اگر همه  
جهان آب گیرد، ایاغ، مُدبر شسته نشود!

الهی! اگر به «دعا» فرمان است، قلم رفته را چه درمان است؟  
الهی! ابوجهل، از کعبه می آید! و ابراهیم از بتخانه! کار به  
عنایت بود، باقی بهانه.

الهی! هر که را خواهی برافتند، گویی با دوستان تو درافتد.  
الهی! «دعا» به درگاه تو لجاج است، چون دانی که بنده به  
چه محتاج است.

با صنع تو هر مورچه رازی دارد با شوق تو هر سوخته نازی  
دارد

ای خالق ذوالجلال نومید مکن آن را که به درگهت نیازی  
دارد.

«والسلام»



پرونده توبه ام را ببند، اما در توبه را نبند!



الهی! چشم هایم از پشت «تپه های  
توبه» طلوع می کند، به امید غوطه ور  
شدن در آهنگ طلایی مهر آفتابی ات.

الهی! آلوده هوای نَفَسَم و هوای آلوده نَفَسَم، اعتقاد  
قلبی تعفن من است که مرا از خود متنفر کرده است و  
گریزان.

الهی! در حریم تو شکفتن است و شگفتی، نور است و نوازش، ندامت است و نیایش و  
زمزمه جاری جاودانگی، و این دست های من است که در آسمان اجابت، وصله ای است،  
ناجور.

«نه گرد اندر آن بقعه دیدم نه خاک

من آلوده بودم در آن جای پاک»

الهی! تو، به من توبه را عنایت نمودی و من تو را و توبه تو را از خود دریغ نمودم؛ نه

سزاوار محبت تو هستم و نه لایق توبه نمودن.

آلوده دامانم و آکنده از آرایش. استخوان هایم زیر بار سرکشی خرد شده است؛ تو بر

استخوان خرد شده ام خرده مگیر که من دیر بازی است از دست رفته ام و از پای فتاده ام

من آلوده دامان ره بدان درگاه کی یابم

مقام محرمان است آن، من آن جا راه کی یابم

الهی! اگرچه زشت رویم و زشت خوی، زشت کارم و زشت کیش، زشت نامم و

زشت مرام، اما تو همه زیبایی هستی و فریایی و برای حسن بی پایان تو، هیچ غروبی،

طلوع نکرده و نتواند کرد.

الهی! توبه کردم از سیاهی و ظلمات، از تاریکی و عصیان؛ اما مورچه  
های وسوسه و موریانه های شک، تکه های ایمانم را از برابر چشمانم عبور  
می دهند و در لانه ناله و زاری، به خاک می سپارند

«گر من آلوده دامنم چه عجب

همه عالم گواه عصمت اوست»

الهی! توبه کردم تا اجازه دهی کلماتم در هوای نیایش تو تنفس کنند، تا در فضای فرح  
ناک و فرخنده تو، فوج فوج کبوتران شوق و احساس را در آسمان اجابت به پرواز  
درآورم که سخت محتاج پروازم و سخت زمین گیر بی بال و پری خویشم

«اگر کردم جفا و زشت کاری

تو با من کن وفا و مهر و یاری»

الهی! شعله شقاوت و آتش تیرگی و طاغوت و عصیان، صورت ایمان مرا سوزانده  
است و زشتی اعمالم، وجود مرا آکنده از آلایش نموده است؛ «نه در زشت رویی ام جای  
تأمل است و نه در زشت خوئی ام جای شک

الهی! در تب و تاب توبه کردن سوختم، اما توفیق توبه کردن، فرصتی است که تنها با  
اشک می آید و بی اشک بر باد می رود؛ چشمه های جوشان اشک را در ایمان خشک و  
ترک خورده ام برویان و باران توبه را بر عطش گذاخته ام بیار!

الهی! به گریبان گناه آویخته ام و دست در آغوش شرمناکی فرو برده ام؛ نه مرا باری  
هست و نه غباری، نه روزگاری و نه دیاری، نه امیدی و نه آرزویی؛ جز آن که به من  
فرصت دهی بعد از آخرین واژه بارانی ام، محو بی مقداری و بی چیزی خویش شوم و  
چون گیاهی، در سرزمین مهر گستر تو جوانه زنم و بی برگی خویش را سرشار از شکوفه  
های توبه نمایم؛ که تمام امید من همین لحظه کوتاه شکفتن و پایانی است.



الهی! چشم گوشه گیرم را گوشه  
چشمی نیاز است و قلب متروکم را منت  
نهادن و قدم رنجه نمودنِ مهربانی تو،  
که من منت پذیر مهر توأم و منت گذار احتیاج خویش.

الهی! توبه ام را بپذیر و از من بگذر؛ که سخت به گذشت تو محتاجم و به بخشش تو  
نیازمند.

الهی! بد گویم و بد گوهرم، بدمهرم و بدمنش؛ مرا نیکو اختر کن و نیکو منظر، نیکو نهاد  
کن و نیکو نیاز.

الهی! توبه کردم از سیاهی و ظلمات، از تاریکی و عصیان؛ اما مورچه های وسوسه و  
موریانه های شک، تگه های ایمانم را از برابر چشمانم عبور می دهند و در لانه ناله و  
زاری، به خاک می سپارند.

الهی! ای کاش می توانستم در یک چشم بر هم زدن، تمام خویش را فراموش کنم و  
تنها لحظه ای را که تو به من تبسمت را هدیه می دهی، به خاطر داشته باشم.

الهی! کیست که توبه نکرده باشد و کیست که توبه نشکسته باشد؟ سرم را بشکن، اما  
مگذار توبه ام را بشکنم که سر شکستگی بهتر است از سر خوردگی.

الهی! به سوی تو باز می گردم؛ با اشتیاقی وصف ناپذیر و آغوشی آشوب آشنا.

الهی! بگذار هرچند بار که به تو پناه می آورم، به تو محتاج تر شوم؛ که تو احتیاج

همیشه منی و نیاز مبرم لحظه به لحظه من.

الهی! اگرچه از تو دورم، اما نزدیک ترین پنجره ها را به اشک ها دارم

الهی! توبه را از من بگیر که تا توبه را دارم و تا تو را دارم از همه چیز و همه کس بی

نیازم.

الهی! پرونده توبه های مرا ببند، اما در توبه را برای لحظه ای به رویم مبند که این خانه، همیشه خانه امید من بوده و هست.

از نردبان نور، از ریسمان ماه بالا می روم - خودم را بالا می کشم - آن قدر بالا که حس اقاقی شدن در گیسوانم می پیچد؛ آن قدر بالا که طعم هلهله ملائک را به طارمی های تنم حس می کنم.

## طعم توبه

باز می گردم؛ با دست هایی از گناه، با چشم های حسرت.  
باز می گردم؛ در دست هایم باد است، در صدایم غم هزار ساله پدرانم، بی هیچ بهره ای از خویش، فرزند دوزخی زمین. چگونه آفریده شدم؟!  
جایی برای گریستن نیست؛ باید بروم.  
چشم هایم را بر دوش می گیرم، کسی صدایم می زند.

**در آن سوی آسمان ها، کسی دوستم دارد؛ در جایی  
آن قدر دور که حتی خیالم را نمی توانم به سویش  
پرتاب کنم. در جایی فراتر از همه گلدسته ها، فراتر از  
همه ناقوس ها، همه فریادها، همه خلقت.**

باید بروم؛ کسی صدایم می زند.  
گناهانم در دستان بزرگش مچاله شده است، آه، خدایا! چقدر لبانم تشنه است،  
کجاست؟ بهاران ملکوت کجاست؟...  
کوله بار من از هیچ نیست؛ کوله بارم از نگاه تو سرشار است، از لبخندهای بی دریغت،  
به پهنای بی کران ها.

نصوح وار، بر در و دیوار می کوبم، کوهوارِ شانه هایم می لرزد. زانوان بی رمقم، بر پله های نخستین آسمانی ایستاده است.

از نردبان نور، از ریسمان ماه بالا می روم - خودم را بالا می کشم - آن قدر بالا که حسّ افاقی شدن در گیسوانم می پیچد؛ آن قدر بالا که طعم هلله ملائک را به طارمی های تنم حس می کنم.

ای بلند! هوای تو آرامم می کند. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»...



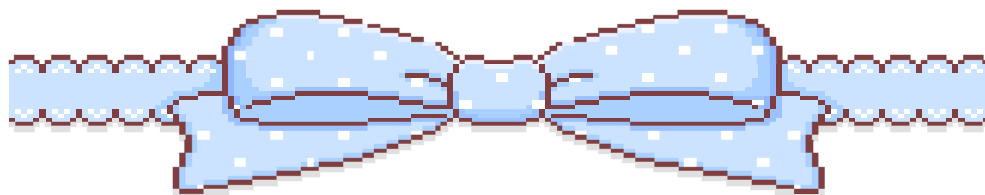
## پرهیز از تحمل بار سنگین گناه

پادشاهی فرمان داد تا بی گناهی را اعدام کنند، زیرا  
به خاطر بی اعتنایی او، بر او خشمگین شده بود

بی گناه گفت: ((ای شاه به خاطر خشمی که نسبت به  
من داری آزار و کشتن مرا مجوی، زیرا اعدام من با  
قطع یک نفس پایان می یابد، ولی بار گناه آن همیشه  
بر دوش تو خواهد ماند و سنگینی خواهد کرد.))

دوران بقا چو باد صحرا بگذشت  
تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت  
پنداشت ستمگر که ستم بر ما کرد  
در گردن او بماند و بر ما بگذشت  
پادشاه، تحت تاثیر نصیحت او قرار گرفت و از ریختن  
خونش منصرف شد و تحمل بار سنگین همیشگی گناه  
را از خود دور ساخت.

حکایتی شیرین از گلستان





## پسر من شیرم یا تو؟



پدر دستشو میندازه دوره گردنه پسرش میگه

پسر من شیرم یا تو؟

پسر میگه : من..!

پدر میگه : پسر من شیرم یا تو؟!

پسر میگه : باز من شیرم...

پدر عصبی مشه دستشو از رو شونه پسرش بر

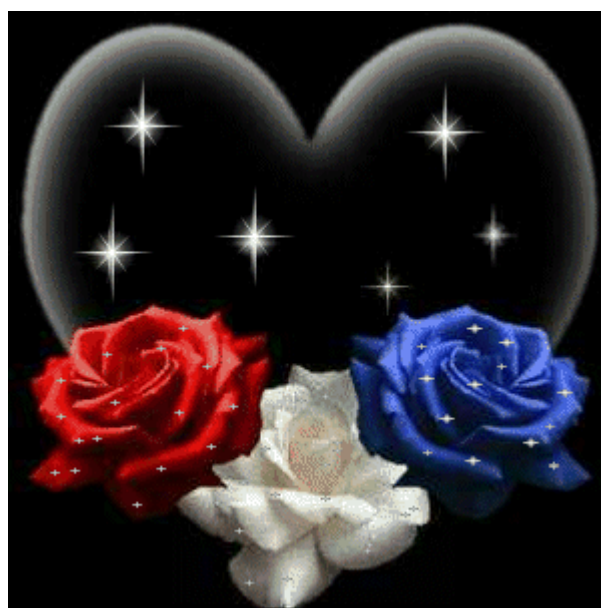
میداره میگه : من شیرم یا تو؟!

پسر میگه : بابا تو شیری...!

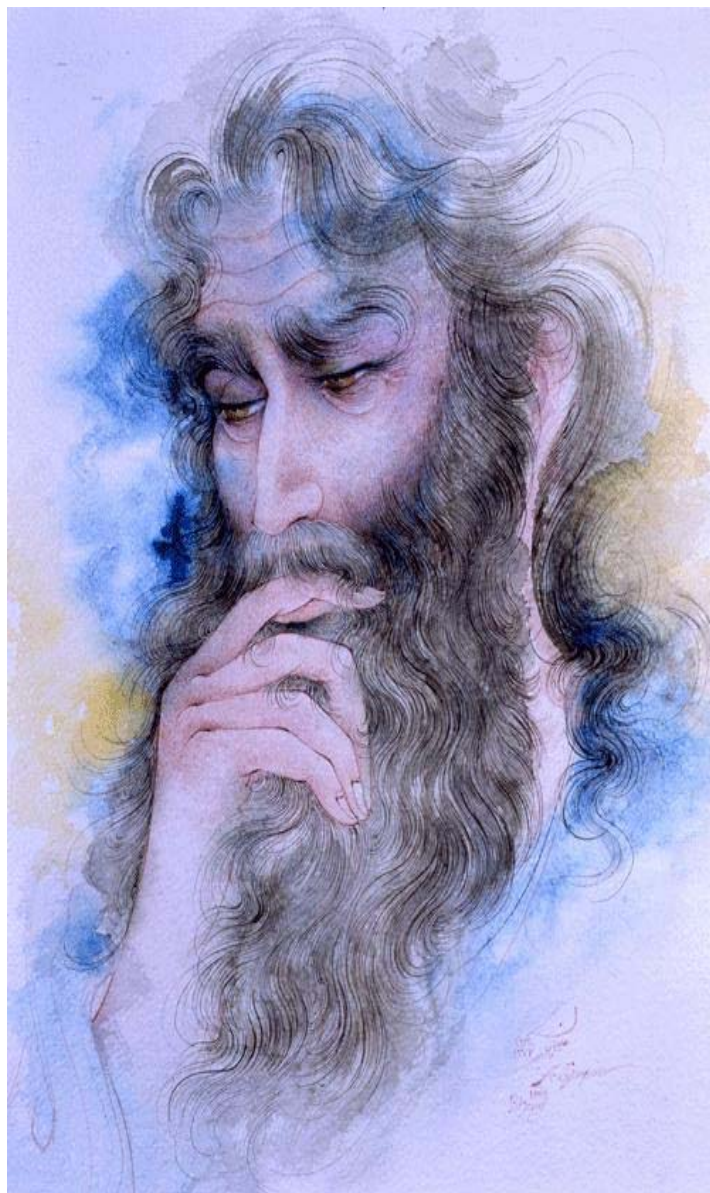
پدر میگه : چرا بار اول و دوم گفتم من ، حالا میگی تو ؟

پسر گفت : آخه دفعه های قبلی دستت رو شونم بود فکر کردم یه کوه

پشتمه اما حالا...



## پند لقمان حکیم به فرزندش



لقمان حکیم علیه السلام وقتی که از سرزمین خود بیرون رفت ، در موصل - که به آن کوملیس گفته می شد - فرود آمد . وقتی که در کارش در ماند و اندوهش شدت گرفت و کسی هم نبود که او را در انجام دادن کارش کمک کند ، پسرش را به خانه برد و در را بر روی خود بست و او را پند داد و گفت : «پسرم ! دنیا ، دریای عمیقی است که انسان های بسیاری در آن هلاک شده اند . از عمل در آن ، توشه بر گیر ، و کشتی ای

را بر گیر که مسافر آن ، پروامندی از خدا باشد . سپس سوار بر کشتی ، به اعماق دریا برو ، تا نجات یابی ، و من نگرانم که نجات نیابی . پسر م ! کشتی [نجات ، ] ایمان است ، و بادبان آن توکل ، و ساکنان آن شکیبایی ، و پاروهایش روزه و نماز و زکات . پسر م ! هر که بدون کشتی وارد دریا شود ، غرق می گردد .

پسر م ! سخن اندک بگو ، و خداوند عز و جل را در همه جا یاد کن ؛ چرا که او تو را بیم داد و ترساند و آگاه ساخت و آموخت .

پسر م ! از مردم پند بگیر ، پیش از آن که تو مایه پند مردم شوی . پسر م ! از [پیش آمد] کوچک ، پند بگیر و پیش از آن که بزرگ بر تو وارد شود . پسر م ! هنگام خشم ، خود را مهار کن تا هیزم جهنم نشوی .

پسر م ! فقر ، بهتر از این است که ستم کنی و سرکشی نمایی . پسر م ! پرهیز از این که قرض بگیری و در پرداخت آن ، خیانت ورزی . پسر م ! پرهیز از این که کسی را خوار نمایی ؛ چرا که خود نیز خوار می شوی .

پسر م ! پرهیز از این که فقیر از دنیا بیرون بروی و دیگری را سرپرست کار و دارایی ات قرار دهی ، که او را امیر گردانده ای .

پسر م ! خدای متعال ، مردم را به خاطر عملشان گرو گرفته است . پس وای بر آنان ، به خاطر آنچه دست و دلشان کسب کرده است .

پسر م ! دنیا را در حالی که گناهان و شیطان در آن هستند ، امن ندان .

پسر م ! هر آینه نیکوکارانِ پیشین ، مورد آزمون قرار گرفتند ، پس

پسینان چگونه از آن نجات می یابند ؟

پسر م ! دنیا را زندان خود قرار ده ، تا آخرت ، بهشت تو باشد .

پسر م ! تو موظف نشده ای که کوهها را بر دوش بکشی ، و نیز به انجام دادن چیزی که توانش را نداری ، موظف نشده ای ، پس گرفتاری را بر

دوشت حمل نکن ، و با دست خودت ، خود را قربانی نکن .  
پسرم ! تو چنان که می کاری ، می دروی ، و چنان که عمل می کنی ،  
می یابی .

پسرم ! با پادشاهان همسایگی نکن ، که تو را می کشند ، و اطاعتشان نکن ،  
که کافر می گردی .

پسرم ! با بینوایان همسایگی کن ؛ بویژه با نادارها و بینوایان مسلمان .  
پسرم ! برای یتیم ، همچون پدری مهربان ، و برای بیوه زنان ، همچون  
همسری دلسوز باش .

پسرم ! چنین نیست که هر کس بگوید : «مرا بیامرز» آمرزیده شود .  
آمرزیده نشود ، مگر کسی که پروردگارش را اطاعت کرده باشد .

پسرم ! [نخست ،] همسایه و سپس خانه !

پسرم ! [نخست ،] رفیق و سپس راه!

پسرم ! اگر خانه‌ها بر ازابه ساخته می شدند ، هیچ کس هرگز با همسایه بد  
، همسایگی نمی کرد .

پسرم ! تنهایی ، از رفیق بد بهتر است .

پسرم ! رفیق نیکوکار ، از تنهایی بهتر است .

پسرم ! جابه جایی سنگ و آهن ، از همراه بد بهتر است .

پسرم ! من سنگ و آهن را جابه جا کردم ؛ ولی چیزی سنگین تر از همراه  
بد نیافتیم .

پسرم ! هر که با همراه بد رفاقت کند ، سالم نمی ماند ، و هر که وارد  
مکان‌های بد شود ، متهم می شود.

پسرم ! هر که زبانش را نگه ندارد ، پشیمان می گردد .

پسرم ! نیکوکار را با نیکی خودش سزا توانی داد ؛ ولی بدکار ، کارهای  
بدش برای تو کافی است و هر قدر بکوشی ، نمی توانی برای او کاری

بیش از آنچه خودش برای خود انجام می‌دهد ، به جا آوری .  
پسرم ! کیست که خدا را پرستید و خدا او را خوار کرد؟! و کیست که  
هوای او کرد و او را نیافت!؟

پسرم ! کیست که خدا را یاد کرد ، ولی او یادش نکرد؟! و کیست که به  
خدا توکل کرد ، ولی خدا او را به دیگری وا گذاشت؟! و کیست که به  
سوی خداوند عز و جل لابه کرد ، ولی به او رحم ننمود!؟

پسرم ! با بزرگ مشورت کن ، و از مشورت با کوچک نیز حیا نکن .  
پسرم ! از دوستی با فاسقان پرهیز . آنان چون سگان اند که اگر نزد تو  
چیزی را ببابند ، می‌خورند ، و گرنه ، تو را سرزنش می‌کنند و رسوایت  
می‌کنند ، و دوستی آنان میان خودشان ، لحظه‌ای است .

پسرم ! دشمنی مؤمنان ، از دوستی فاسق ، بهتر است .

پسرم ! به مؤمن ستم می‌کنی ؛ ولی او به تو ستم روا نمی‌دارد ، در پی  
زیان او هستی ؛ ولی او از تو راضی است ، و [اما] فاسق ، خدا را رعایت  
نمی‌کند ، چگونه تو را رعایت کند!؟

پسرم ! بر شمارِ دوستان بیفزا و از دشمنان در امان نباش ؛ زیرا کینه در  
سینه‌هایشان ، مانند آبِ ( / آتش ) زیر خاکستر است .

پسرم ! پیش از آن که با مردم سخن بگویی ، با سلام کردن و دست دادن  
آغاز کن .

پسرم ! مردم را چنان در فشار قرار نده که با تو دشمنی کنند ، و [خیلی  
هم] آسان گیر نباش که خوارت کنند . چنان شیرین نباش که تو را  
بخورند ، و چنان تلخ هم نباش که تو را دور بیندازند .

(و به روایتی :) چنان شیرین نباش که بلعیده شوی ، و چنان تلخ نباش که  
پرتاب گردی .

پسرم ! درباره دانش خدا بگو مگو نکن ؛ چرا که دانش خدا ، درک

نمی‌شود و شمارش ندارد.

پسرم! از خدا چنان بترس که از رحمتش ناامید نگردی، و به خدا چنان امیدوار باش که از مکرش در امان نباشی.

پسرم! نفس را از هوا و هوس باز دار؛ چرا که اگر نفس را از هوا و هوس باز نداری، وارد بهشت نمی‌گرددی و آن را نمی‌بینی.

(و به روایتی) نفست را از هوایش باز دار؛ زیرا در هوای آن، نابودی است.

پسرم! تو از همان هنگام که از شکم مادرت فرود آمدی، رو به آخرت و پشت به دنیا کرده‌ای؛ حال اگر به آینده بررسی، بهتر از این است که به عقب برگردی.

پسرم! از غرور و تکبر و فخرفروشی بپرهیز، که [با این خصلت‌ها] همسایه ابلیس در خانه‌اش هستی.

پسرم! غرور و تکبر و فخرفروشی را از خود دور کن، و بدان که تو ساکن قبرستان خواهی شد.

پسرم! بدان که هر کس با ابلیس همسایگی کند، در سرای حقیر و بی‌کرامت جای خواهد داشت که در آن، نه می‌میرد و نه می‌زید.

پسرم! وای بر کسی که مغرور و متکبر شود! چگونه خود را بزرگ شمارد کسی که از گل آفریده شده و به گلی باز می‌گردد، آن گاه نداند که به کدام سو می‌رود؛ به سوی بهشت؟ که در این صورت، کامیاب شده، یا به سوی جهنم؟ که در این صورت، زیان آشکاری دیده و بدبخت گردیده است.

(و به روایتی:) چگونه زور می‌گویند کسی که دو بار، در مجرای بول قرار گرفته است، چگونه زور می‌گویند؟!

پسرم! آدمیزاد، چگونه می‌خواهد، در حالی که مرگ در پی اوست؟! و

چگونه غفلت می کند ، در حالی که از او غفلت نمی شود؟!  
پسرم! هر آینه برگزیدگان خداوند عز و جل و دوستان و پیامبرانش - که  
دروود خدا بر آنان باد! - [همگی] مردند؛ پس کیست که پس از آنها  
جاوید ماند و رها گردد .

پسرم! با کنیزت هم‌بستر نشو؛ هر چند خوش آیند تو باشد ، و خودت را  
از او باز دار و او را شوهر بده .

پسرم! رازت را نزد همسرت فاش نکن ، و بر درِ خانه‌ات ننشین .  
پسرم! همانا زن از دنده‌ای کج آفریده شده که اگر راستش کنی ، آن  
را می‌شکنی و اگر رهایش کنی ، کج می‌ماند . آنان را در خانه‌ها نگه دار  
. اگر نیکی کردند ، نیکی‌شان را بپذیر و اگر بدی کردند ، شکیباش .  
همانا شکیبایی ، از کارهای مهم و بزرگ است .

پسرم! زنان ، چهار گروه‌اند : دو گروه‌شان صالح ، و دو گروه‌شان  
ملعون‌اند .

یکی از آن دو گروه صالح ، زنی است که در میان قوم خود ، شریف و  
بزرگوار و در پیش خود ، رام و آرام است ؛ زنی که اگر به او چیزی  
داده شود ، سپاس می‌گزارد ، و اگر گرفتار شود ، شکیبایی می‌ورزد ؛  
اندک ، در دستان او بسیار جلوه می‌کند و در خانه‌اش درست کار است .  
دوم از گروه زنان صالح ؛ زنی است که بسیار مهربان و زاینده است ؛  
همیشه با شوهرش به نیکی رفتار می‌کند . او مانند مادر مهربان ، بر  
بزرگان قوم ، محبت و بر خُردسالان ، دلسوزی می‌نماید . فرزند شوهرش  
را دوست می‌دارد ؛ هر چند از زن دیگری باشد . در بر دارنده خوبی‌ها ،  
مورد رضایت شوهر ، و اصلاح‌کننده خود و خانواده و مال و فرزند  
است . بنا بر این ، او [در کمیابی] ، مانند طلای سرخ است . خوشا به حال  
آن که چنین زنی روزی‌اش شده است ، که اگر در حضور شوهرش باشد

، یاری اش می کند و اگر از او غایب باشد، [دارایی و آبروی] او را نگه می دارد.

اما یکی از آن دو گروه ملعون؛ زنی است که پیش خود، بزرگ و در میان قومش رام و آرام است؛ اگر به او عطا شود، خشم می کند و اگر منع شود، عتاب می کند و خشم می گیرد. بنا بر این، شوهرش در دست او گرفتار است و همسایگانش از دست او در رنج اند. پس او همانند شیر است که اگر نزدیکش شوی، تو را می خورد و اگر بگریزی، تو را می کشد.

زن ملعون دوم، زنی است که نزد شوهرش است؛ ولی میلش با همسایگان است. پس زودخشم و زودگریان است. اگر در حضور شوهر باشد، به او سودی نمی رساند و اگر از او غایب باشد، او را رسوا می سازد. او به منزله زمین شوری است که اگر آتش دهی، [آن را فرو نمی برد و] آب بالا می آید و زمین در آن غرق می شود، و اگر رهایش کنی، تشنه می گردد. اگر فرزندی از او روزی ات شد، از او بهره مند نمی گردی. پسر! با کنیز ازدواج نکن، که فرزندت - در حالی که حاصل توست - پیش خودت به فروش می رسد.

پسر! اگر زنان هم همانند شراب، قابل چشیدن بودند، هیچ مردی هرگز با زن بدی ازدواج نمی کرد.

پسر! به کسی که به تو بدی کرد، نیکی کن و بر [مال] دنیا نیفزا؛ چرا که تو از آن، غافلی و دقت کن و بین به کجای آن می روی. پسر! مال یتیم را نخور، که در روز رستاخیز، رسوا می شوی و موظف می شوی که آن را بدو باز گردانی.

پسر! اگر [قرار بود] کسی از دیگری بی نیاز شود، هر آینه فرزند، از پدرش بی نیاز می شد.



پسرم! جهنم، همه جهانیان را در بر خواهد گرفت و هیچ کس از آن نجات نخواهد یافت، جز کسی که خداوند بر او رحم کند و او را به خود نزدیک گرداند.

پسرم! بد زبان، تو را نفریبید؛ چرا که [در روز رستاخیز،] دلش مَهر می خورد؛ ولی اعضایش سخن می گویند و به ضررش گواهی می دهند پسرم! به مردم دشنام نده، که [در پاسخ، به پدر و مادرت دشنام می دهند و] در این صورت، این تویی که پدر و مادرت را دشنام داده‌ای.

پسرم! نیکی‌ات تو را مغرور نسازد، و به واسطه عمل خوبت، خود را بزرگ نشمار که هلاک می‌گردد.

پسرم! نماز را بر پادار و امر به معروف و نهی از منکر کن، و بر ناگواری‌هایی که به تو می‌رسد، شکبیا باش؛ چرا که شکبیایی، از کارهای بزرگ و مهم است.

پسرم! به خدا شرک نوز؛ چرا که شرک، ستمی بزرگ است.

پسرم! در زمین، خرامان راه نرو؛ چرا که تو هرگز نمی‌توانی زمین را بشکافی و به بلندای کوه‌ها برسی.

پسرم! هر روزی که بر تو می‌آید، روز تازه‌ای است که نزد پروردگار بخشنده، به ضرر تو گواهی خواهد داد.

پسرم! تو، پیچیده در کفن‌هایت و جایگیر در قبرت، بیننده همه عملت خواهی بود.

پسرم! چگونه در خانه کسی سُنْنا می‌گزینی که ناخشنودش نموده‌ای؟ یا چگونه با کسی همسایگی می‌کنی که نافرمانی‌اش کرده‌ای؟

پسرم! آنچه را به تو مربوط است، رعایت کن و آنچه را به تو مربوط نیست، از خود دور کن؛ چرا که اندک آن، تو را بس است و بسیار آن

به تو مربوط نیست .

پسرم ! دیگری را بر خودت مقدم ندار ، و داراییات را برای دشمنانت  
به ارث نگذار .

پسرم ! هر آینه حلال کوچک ، به حساب می آید ؛ پس چگونه است حرام  
بسیار؟!

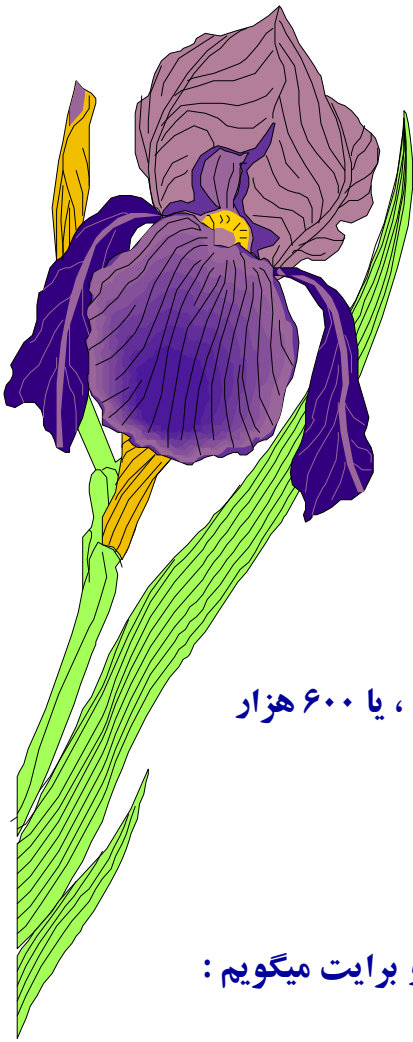
پسرم ! چشمت از چیزی که مال تو و در اختیار تو نیست ، را باز دار ، و  
در ملکوت آسمانها و زمین و کوهها و مخلوقات خدا ، طولانی بیندیش ،  
که این برای پند دلت ، کافی است .

پسرم ! سفارش پدر مهربان و دلسوز را بپذیر .

پسرم ! پیش از آن که اجلت فرا رسد ، و پیش از آن که کوهها تکان  
بخورند و خورشید و ماه جمع گردند ، تو در سایه دانشت ، [به انجام  
دادن کارهای نیک] ، شتاب کن .

پسرم ! [روز رستاخیز] ، زمانی است که آسمان ، شکافته و در هم پیچیده  
می شود و فرشتگان در صفهایی - در حال ترس [از خدا] و محافظت  
شده و مهربان - فرود می آیند و تو موظف می شوی که از صراط بگذری  
، و در این هنگام ، عملت را مشاهده می کنی ، و ترازوها [ی سنجش  
عمل] برپا می شوند و نامه های اعمال ، گشوده می گردند



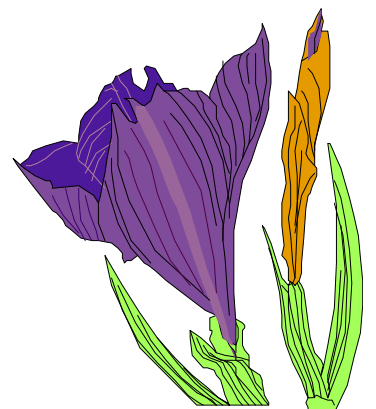


پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی ، ۶۰۰ هزار گوسفند می خواهی ، یا ۶۰۰ هزار دینار، یا ۶۰۰ هزار کلمه ؟

حضرت علی علیه السلام پاسخ داد: یا رسول الله ، ۶۰۰ هزار کلمه .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ۶۰۰ هزار کلمه را در ۶ کلمه جمع می کنم و برایت میگویم :

- ۱- هر گاه دیدی مردم به مستحبات مشغولند، تو در انجام واجبات بکوش .
- ۲- هر گاه دیدی مردم برای دنیا کار می کنند، تو برای آخرت تلاش کن .
- ۳- هر گاه دیدی مردم به عیوب دیگران سرگرم هستند، تو به عیوب خود پرداز .
- ۴- هر گاه دیدی مردم به تزئین دنیا پرداخته اند، تو در تزئین آخرت خود بکوش .
- ۵- هر گاه دیدی مردم به بسیاری عمل و کمیت آن دل خوش کرده اند، تو به کیفیت توجه کن و بهترین عمل را برگزین .
- ۶- هر گاه دیدی مردم به خلق متوسل شده اند، تو به خالق توسل جوی و کارت را به او واگذار .



## پیامدهای دنیوی و اخروی غیبت!

آثار سوء برخی از اعمال بر روابط انسان با دیگران بسیار آشکار است. از جمله اعمالی که روابط انسان‌ها را سست و سرد می‌کند و منشأ گناهان دیگر می‌گردد غیبت است.



از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: پیامبر پرسیدند: آیا می‌دانید غیبت چیست؟ پاسخ دادند: خدا و رسولش داناترند. فرمودند: یاد کردن برادرت (در نزد کسی یا کسانی) نسبت به چیزی که اگر بفهمد ناراحت می‌شود. (کشف الریبه عن احکام الغیبه، ص ۵)

پرسیده شد: حتی اگر آن چه می‌گوییم در برادرم باشد باز هم غیبت است؟ فرمودند: اگر آن چه می‌گویی در او باشد غیبتش را کرده‌ای و اگر در او نباشد بهتان زده‌ای.

از امام کاظم (علیه السلام) روایتی نقل شده است که حدود غیبت را روشن می‌فرماید:

«مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عُرِفَ النَّاسَ لَمْ يَغْتَبِهِ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسَ اِغْتَابَهُ، وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بُهْتَهُ.» (جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۴)

**کسی که دیگری را در غیابش به عیبی که مردم از آن باخبرند یاد کند، غیبت او را نکرده است و کسی که دیگری را در غیابش به عیبی یاد کند که مردم از آن بی‌خبرند، غیبت او را کرده است و کسی که او را به عیبی که در او نیست یاد کند به او بهتان زده است.**

در هر حال یکی از اخلاق عالی اسلامی پوشاندن عیب دیگران است. برترین عیب پوشی‌ها همراه با نصیحت و ارشاد به خوبی‌هاست.

**مگر غیبت پیامد هم دارد؟**

پیامدهای غیبت را می‌توان در دو دسته پیامدهای دنیوی و پیامدهای اخروی (معنوی) بررسی نمود.

الف. پیامدهای آخروی و معنوی غیبت:

## ۱- تباهی اعمال نیک

غیبت سبب می‌شود اعمال نیکی که انسان انجام می‌دهد تباه گردد و از بین برود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«الغیبة حرام علی کلّ مسلم و إنّها لتأکل الحسنات كما تأکل النار الحطب»؛

**غیبت کردن برای هر مسلمانی حرام است و همان گونه که آتش**

**هیزم را می‌خورد، غیبت نیز کارهای نیک انسان را می‌خورد و از**

**بین می‌برد.**

پیامبر پرسیدند: آیا می‌دانید غیبت چیست؟ پاسخ دادند: خدا و رسولش داناترند. فرمودند: یاد

کردن برادرت (در نزد کسی یا کسانی) نسبت به چیزی که اگر بفهمد ناراحت می‌شود. (کشف

الریبه عن احکام الغیبة، ص ۵). پرسیده شد: حتی اگر آن چه می‌گویم در برادرم باشد باز هم

غیبت است؟ فرمودند: اگر آن چه می‌گویی در او باشد غیبتش را کرده‌ای و اگر در او نباشد

بهتان زده‌ای

گاهی انسان به خاطر ارتکاب غیبت تمام کارهای نیکی را که انجام داده است از بین می‌برد و

ثواب اعمالش در نامه کسی که غیبت او را کرده است نوشته می‌شود، که در این مورد توجه

شما را به یک حدیث جلب می‌کنیم:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

در روز قیامت یکی از شما را در صحرای محشر برای رسیدگی به اعمالش حاضر می‌کنند و

نامه عملش را به دستش می‌دهند و هنگامی که به آن نگاه می‌کند از کارهای نیکی که انجام

داده است چیزی در آن نمی‌بیند. عرض می‌کند: پروردگارا این نامه عمل من نیست زیرا از

طاعات و عباداتی که در دنیا انجام داده‌ام چیزی در آن نمی‌بینم. به او گفته می‌شود

پروردگار تو خطا و نسیان نمی‌کند و این نامه عمل از آن تو است اما به خاطر این که غیبت

کردی کارهای نیک تو در نامه عمل کسی نوشته شده است که از او بدگویی کردی. سپس

شخص دیگری را برای حساب می‌آورند و نامه عملش را به او می‌دهند. به نامه نگاه می‌کند

ولی بر خلاف انتظارش طاعات و عبادات زیادی را در آن می‌بیند و از روی تعجب عرض

می‌کند: خدایا این نامه عمل من نیست، من در دنیا کارهای نیکی که در این جا نوشته شده

است انجام نداده‌ام. به او گفته می‌شود: چون فلان شخص از تو بدگویی کرده کارهای نیک

او در نامه عمل تو نوشته شده است.

## ۲- خروج از ولایت خدا

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«من روی علی مؤمن روایه یزید بها شینه و هدم مروته لیسقطه من أعین الناس أخرجه الله من ولايته إلى ولاية الشيطان فلا يقبله الشيطان»؛  
هر کس به منظور عیب جویی و ریختن آبروی مؤمنی سخنی علیه او بگوید تا او را از چشم مردم بیندازد خداوند چنین کسی را از ولایت خودش بیرون می کند و به سوی ولایت شیطان می فرستد ولی شیطان او را نمی پذیرد.

## ۳- فاسد شدن دین انسان

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«الغیبة أسرع فی دین الرجل المسلم من الآکله فی جوفه»؛  
تأثیر غیبت در دین مسلمان از خوره در جسم او سریع تر است.

## ۴- کاهش ارزش عبادت‌ها

در حدیث دیگری آمده است کسی که مرتکب غیبت شود ارزش عبادات او کم می شود.  
رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:  
«الجلوس فی المسجد انتظاراً للصلوة عبادة ما لم يحدث، قيل یا رسول الله و ما يحدث؟ قال الاغتیاب»؛  
نشستن در مسجد و انتظار کشیدن برای رسیدن وقت نماز عبادت است تا زمانی که حدیثی از انسان سر نزند. سؤال شد: حدیث چیست؟ فرمود: غیبت.



## ۵- مانع قبولی اعمال

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در ضمن حدیثی فرمود:  
«مأمورانی که مراقب اعمال انسان هستند عمل بنده‌ای را که مانند شعاع خورشید می درخشد به آسمان بالا می برند ولی فرشته‌ای که باید اعمال را قبول کند و بالا ببرد می گوید:  
اضرَبوا هذا العمل وجه صاحبه أنا صاحب الغیبة أمرنی ربی أن لا أدع عمل من ینتاب الناس یتجاوزنی إلى ربی؛ این عمل را به صورت صاحبش بزنید، زیرا من از طرف پروردگارم مأموریت یافته‌ام که نگذارم عمل نیک غیبت کنندگان از من بگذرد و به سوی پروردگارم برود.

## ۶- محرومیت از بهشت

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«تَحْرِمُ الْجَنَّةَ عَلَى ثَلَاثَةٍ: عَلَى النَّمَامِ وَعَلَى الْمَغْتَابِ وَعَلَى مَدْمَنِ الْخَمْرِ»؛  
بهشت بر سه کس حرام است: سخن چین، کسی که غیبت می کند و کسی که دائم الخمر باشد.

## ۷- تأخیر پاداش و تقدیم مجازات

غیبت کننده در صورتی که توبه کند و توبه اش پذیرفته شود باز هم آخرین کسی است که وارد بهشت خواهد شد:

«أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنَّ الْمَغْتَابَ إِذَا تَابَ فَهُوَ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ إِن لَّمْ يَتُبْ فَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ»؛

خداوند به موسی بن عمران وحی فرستاد که غیبت کننده اگر توبه کند آخرین کسی است که داخل بهشت می شود، و اگر توبه نکند نخستین فردی است که داخل آتش می شود.

## ۸- تجسم زشت در روز قیامت

حضرت صادق (علیه السلام) از پدران معصومان (علیهم السلام) چنین روایت می فرمایند:  
«کسی که از فرد مسلمانی غیبت کند، روز قیامت در حالی که از دهانش بویی بدتر از بوی مردار به مشام می رسد، می آید که اهل محشر از آن اذیت می شوند»

ب. پیامدهای دنیوی غیبت

## ۱- ریختن آبرو و شکستن حرمت افراد

غیبت کننده با رفتار ناروایش آبروی دیگران را به خطر می اندازد، از این رو خداوند هم آبروی او را در معرض خطر قرار می دهد و او را در این دنیا رسوا می کند.  
امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«لَا تَغْتَبْ فَتَغْتَبَ وَلَا تَحْفَرْ لِأَخِيكَ حُفْرَهُ فَتَقَعَ فِيهَا، فَانَكَ كَمَا تُدِينُ تُدَانُ»

غیبت نکن که مورد غیبت واقع می شوی و برای برادرت گودالی نکن که خود در آن خواهی افتاد، به راستی که هر جوری با دیگران معامله کنی به همان صورت با تو معامله شود.



## ۲- آسیب دیدن وحدت و انسجام اجتماعی مسلمین

گناه غیبت نه تنها موجب فساد در ایمان و اخلاق شخص و رسوایی او در دنیا و آخرت می گردد، بلکه مفاسد اجتماعی و بشری را هم به دنبال دارد. از اهداف بزرگ انبیاء(علیهم السلام) تشکیل مدینه فاضله و جامعه نیکوست و این مهم زمانی به وجود می آید که مردم با یکدیگر محبت، الفت، برادری، صداقت قلبی، صفای باطنی و ظاهری داشته باشند، به طوری که افراد همگی به منزله یک شخص باشند و در این صورت چنین ملتی بر ملت‌های دیگر پیروز خواهند شد، همان طور که مسلمین صدر اسلام بر اثر همین وحدت و یکپارچگی بر حکومت‌های بزرگ آن روز پیروز شدند. بر اساس آن چه گفته شد و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، مسلمین مأمور و موظفند که با یکدیگر دوستی و مودت ورزند و طبعاً آن چه این دوستی را می افزاید مطلوب و پسندیده است و هر چه از این دوستی و مودت کم کند، ناپسند است و واضح است که غیبت موجب کینه و دشمنی و بغض شده و از این ره‌گذر وحدت اجتماع از بین می‌رود و این از آسیب‌های اجتماعی غیبت است و لازم است برای پرهیز از این ضرر بزرگ از این عمل زشت اجتناب نمود.

هر کس به منظور عیب جویی و ریختن آبروی مؤمنی سخنی علیه او بگوید تا او را از چشم مردم بیندازد خداوند چنین کسی را از ولایت خودش بیرون می‌کند و به سوی ولایت شیطان می‌فرستد ولی شیطان او را نمی‌پذیرد

## ۳- ایجاد دشمنی

از آن جا که غیبت آبروی مؤمنی را می‌ریزد، او را دشمن غیبت کننده می‌کند. هم‌چنین دوستان کسی که از او غیبت شده، به غیبت کننده به دیده دشمنی می‌نگرند؛ هر چند دیدشان درباره کسی که نقضش بیان شده است نیز عوض می‌شود؛ پس غیبت کننده هم خشم پروردگار و هم خشم بندگان او را برمی‌انگیزد.

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) فرمود:

«ایاک و الغیبة فانها تمقتک الی الله و الناس و تحبط اجرک»

**از غیبت بر حذر باش؛ چون موجب می‌شود مورد خشم و دشمنی خدا و مردم قرار گیری و پاداشت نابود شود.**

در حدیث قدسی هم آمده که:

«من ترک الغیبة ظهرت محبته فی القلوب»

کسی که غیبت و بدگویی دیگران را ترک کند محبتش در دل‌ها آشکار می‌شود.



## ۴- تبلیغ و گسترش زشتی‌ها

از آن جا که غیبت، بیان عیب و نقص شخص یا باز گفتن کار زشت او در غیاب او است با این رفتار، زشتی آن عمل ناپسند از بین می‌رود چنان که اگر شنونده در مقابل غیبت کننده سکوت اختیار کرده واکنشی نشان ندهد باعث می‌شود او در انجام این کار جسارت و جرأت بیش تری یابد و زشتی غیبت را درک نکند، هم‌چنین زشتی و قبحی که عمل بازگو شده پیش از غیبت، نزد شنونده داشته است شکسته یا دست کم ضعیف می‌شود.

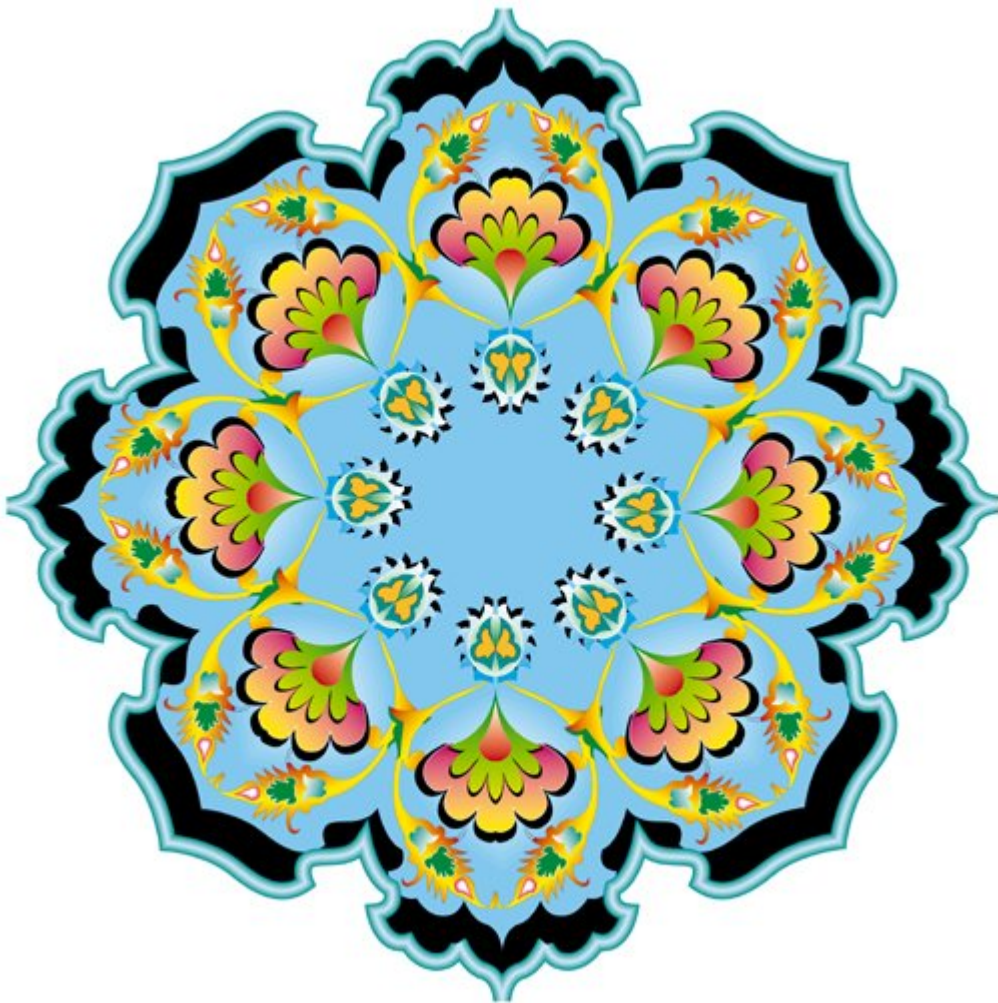
امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«هر کس درباره مؤمنی آن چه که با چشم دیده یا با گوش شنیده است باز گوید، از کسانی است که خداوند عزوجل درباره آنان می‌فرماید: «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی

الذین آمنوا لهم عذاب ألیم» (نور/۱۹)؛ یعنی همانا کسانی که دوست دارند

زشتی‌ها در بین کسانی که ایمان آورده‌اند، منتشر شود، برای

ایشان عذابی دردناک است.



## تا به حال برای چند نفر پل ساختیم

سال ها دو برادر با هم در مزرعه ای که از پدرشان به ارث رسیده بود، زندگی می کردند. یک روز به خاطر یک سوء تفاهم کوچک، با هم جرو بحث کردند. پس از چند هفته سکوت، اختلاف آنها زیاد شد و از هم جدا شدند

یک روز صبح در خانه برادر بزرگ تر به صدا درآمد. وقتی در را باز کرد، مرد نجاری را دید. نجار گفت: «من چند روزی است که دنبال کار می گردم، فکر کردم شاید شما کمی خرده کاری در خانه و مزرعه داشته باشید، آیا امکان دارد که کمکتان کنم؟» برادر بزرگ تر جواب داد: «بله، اتفاقاً من یک مقدار کار دارم. به آن نهر در وسط مزرعه نگاه کن، آن همسایه در حقیقت برادر کوچک تر من است. او هفته گذشته چند نفر را استخدام کرد تا وسط مزرعه را کنند و این نهر آب بین مزرعه ما افتاد. او حتماً این کار را بخاطر کینه ای که از من به دل دارد، انجام داده.» سپس به انبار مزرعه اشاره کرد و گفت: «در انبار مقداری الوار دارم، از تو می خواهم تا بین مزرعه من و برادرم حصار بکشی تا دیگر او را نبینم

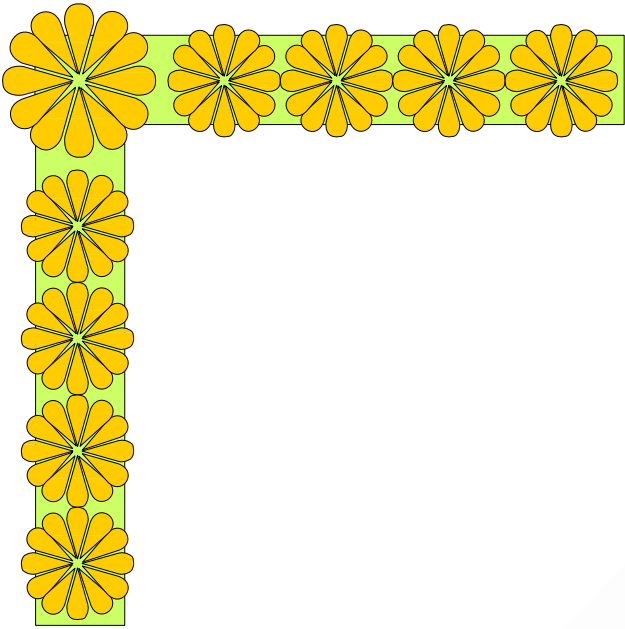
نجار پذیرفت و شروع کرد به اندازه گیری و اره کردن الوار. برادر بزرگ تر به نجار گفت: «من برای خرید به شهر می روم، اگر وسیله ای نیاز داری برایت بخرم.» نجار در حالی که به شدت مشغول کار بود، جواب داد: «نه، چیزی لازم ندارم.» هنگام غروب وقتی کشاورز به مزرعه برگشت، چشمانش از تعجب گرد شد. حصاری در کار نبود. نجار به جای حصار یک پل روی نهر ساخته بود

کشاورز با عصبانیت رو به نجار کرد و گفت: «مگر من به تو نگفته بودم برایم حصار بسازی؟» در همین لحظه برادر کوچک تر از راه رسید و با دیدن پل فکر کرد که برادرش دستور ساختن آن را داده، از روی پل عبور کرد و برادر بزرگترش را در آغوش گرفت و از او برای کندن نهر معذرت خواست

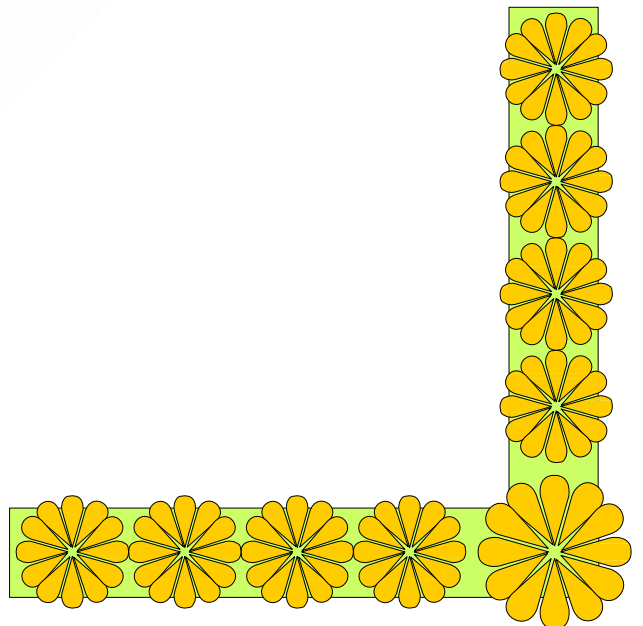
وقتی برادر بزرگ تر برگشت، نجار را دید که جعبه ابزارش را روی دوشش گذاشته و در حال رفتن است. کشاورز نزد او رفت و بعد از تشکر، از او خواست تا چند روزی مهمان او و برادرش باشد

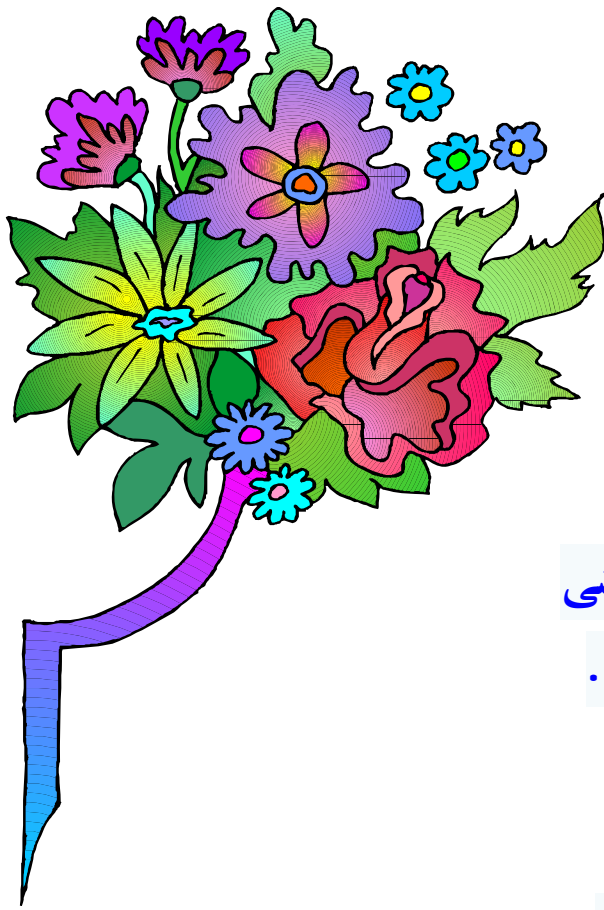
نجار گفت: «دوست دارم بمانم ولی پل های زیادی هست که باید آنها را بسازم

تا به حال واسه چند نفر پل ساختیم؟ بین خودمون و چند نفر از عزیزانمون حصار کشیدیم؟



تکلف نکنید خوش بویان زیست  
تعلق نکنید خوش بویان مرد





تو فدایی خدایی

مست عطر کربلایی

جانباز شیمیایی.....

گرچه با کپسول اکسیژن مجابت کرده اند

مادرت میگفت دکترها جوابت کرده اند

مرگ تدریجی ست این دردی که داری میکشی

منتها با قرص های خواب، خوابت کرده اند....

خواب می بینی کسی جویای احوال تو نیست

یا برای مصلحتها انتخابت کرده اند

خواب می بینی که در سر دشتی و گیلان غرب

خواب می بینی مورخ ها کتابت کرده اند

خواب می بینی نفس در سینه تنگی می کند

خواب می بینی مته سرپل خرابت کرده اند

روزگار بی وفا قلب تو را سوزانده است

با جناح وباند بازی ها کبابت کرده اند

خواب می بینی که مسوولین بنیاد شهید

بر سر دروازه های شهر قابت کرده اند

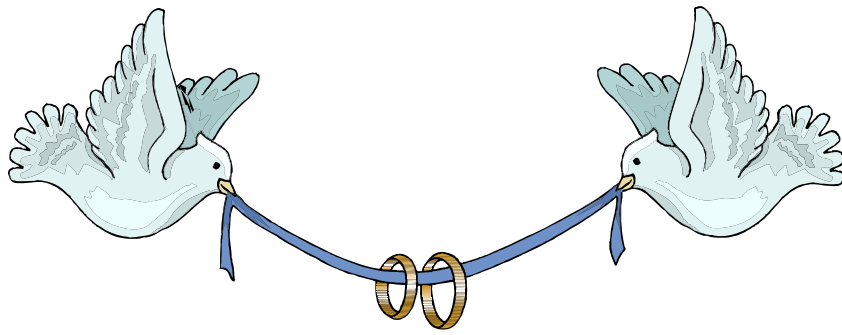
از خدا می خواستی که محشور باشی با حسین

خواب می بینی دعایت را اجابت کرده اند

شعر من جویای احوال دل تنگ تو نیست

قطره قطره در وجود خود مجابت کرده اند

(مداح اهل بیت حاج مجتبی رمضانی)



## توبه از جرم و خطا



توبه از جرم و خطا، حال سحر می خواهد  
خلوت نیمه ی شب اشک بصر می خواهد  
وادی طور همین هیئت هر هفته ی ماست  
دیدن نور خدا اهل نظر می خواهد  
سختی گردنه ی عشق زمینت نزند  
راه پر پیچ و خمش مرد سفر می خواهد  
صرف این سینه زدن ها به مقامی نرسیم  
محرم راز شدن دیده ی تر می خواهد  
جهت بخشش هر سینه زنی حضرت حق  
محشر از مادر سادات نظر می خواهد  
عمل زینب کبری به همه ثابت کرد  
سر شکستن ز غم دوست جگر می خواهد  
سر عباس به نی پند ظریفی دارد  
غیر خورشید، سماوات قمر می خواهد



## توبه با امید پذیرفته می شود!



یکی از گناهان کبیره، یأس و ناامیدی از رحمت خداوند است و در کتاب قرآن کریم نیز نهی صریح از آن شده است چنانکه می فرماید: «ای بندگان من که بر خود ستم و اسراف کرده اید از رحمت خدا نا امید نشوید» (زمر/۵۳) و باز می فرمایند:

« کیست که نا امید از رحمت خدا شود مگر گمراهان و اهل ضلالت. » (حجر / ۵۶)  
خداوند متعال با نهی از نا امیدي از مغفرت خویش، وسعت رحمت خویش را اینگونه توصیف می کند: خداوند متعال ضمن آیه ۱۵۶ سوره هفتم (اعراف) فرموده است: «و رحمت من همه چیز را در بر گرفته است.» و ضمن آیه ۴۳ سوره سی و سیم (احزاب) فرموده است: «و خداوند به مؤمنان مهربان است.» و ضمن آیه ۵۳ سوره سی و نهم (زمر) فرموده است: «به آن دسته از بندگانم که بر خویشتن اسراف ورزیده اند، بگو از رحمت خداوند نومید مشوید.» و ضمن آیه ۱۹ سوره چهل و دوم (شوری) فرموده است: «خداوند نسبت به بندگان خود بسیار مهربان است.» امام صادق (علیه السلام) فرموده است: چون روز رستاخیز فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی چنان رحمت خود را گسترش می دهد که ابلیس هم بر رحمت حق تعالی طمع می بندد. (روضه الواعظین / ترجمه مهدوی دامغانی)

**گر نباشد بدل فروغ امید آدمی را جهان شود زندان  
نبود گر نشاط و شوق و نوید دل شود خسته، جان شود حیران**

### ذکر روایات در باب نهی ناامیدی از رحمت خدا

مردی از بسیاری گناهان این قدر خائف بود که از آمرزش خدا ناامید گردیده بود. حضرت امیر المؤمنین به او فرمودند: ای مرد مأیوسی از رحمت خدا، بدتر است از گناهی که کرده ای.

امید داشتن بنده به آمرزش گناهانش زمانی منطقی و مورد پذیرش است که خود نیز گامی در جهت رحمت و رضای الهی برداشته و زمین وجودش را از حضور خوار و خاشاک پاک سازد تا گل امید و مغفرت و رحمت الهی در آن شکوفا گردد

و مروی است که مردی در بنی اسرائیل بود که مردم را از رحمت خدا ناامید می کرد و ایشان را بسیار می ترسانید، در روز قیامت خدا به او خواهد فرمود که : امروز من تو را از رحمت خود مأیوس می کنم ، همچنان که تو بندگان مرا از من نا امید ساختی .

**امام صادق علیه السلام فرمودند: یکی از حکیمان می گفت:**

**ناامیدی از رحمت خداوند از زمهریر هم سردتر و**

**ناراحت کننده تر می باشد ( ایمان و کفر) ترجمه الإیمان و الکفر بحار الأنوار**

**ابو ذر غفاری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یکی از روزها مردی گفت به خداوند سوگند خداوند فلان شخص را نخواهد آمرزید، پروردگار فرمود چه کسی می تواند حکم کند که فلان شخص را نخواهم آمرزید، من او را آمرزیدم و عمل آن شخصی که قاطعانه می گفت خداوند او را نمی آمرزد بی اثر کردم و نابودش ساختم .**

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند ناامیدکنندگان را روز قیامت محشور می کند در حالی که سیاهی چهره آنها بر سفیدی غلبه دارد، مردم هنگامی که آنها را مشاهده می کنند می گویند اینها مردم را از رحمت خداوند دور می کردند.



**اثر ناامیدی از رحمت خدا**

**۱- یکی از اثرات ناامیدی از رحمت خداوند**

**باز داشتن انسان از محبت خداست. محبت**

**خداوند سرمنشأ تمام فضایل و بالاترین**

**آنهاست چرا که تا کسی به دیگری امیدوار نباشد او را دوست**

**نمی دارد.**

و همین امر باعث می شود فرد تمایل و رغبتی به طاعت و عبادت نداشته باشد چرا که سبب طاعت و بندگی و عبادت خدا، نشاط و آرامش خاطر و امیدواری به مکافات آن است .

۲- انسان گنهکاری که از رحمت خدا نا امید و مایوس است در این حالت، گناه خویش را بزرگتر از رحمت و بخشایش خدا پنداشته و مغفرت و رحمت خدا را کوچک و حقیر می‌شمارد و این گناه در مقابل گناهی که مرتکب شده به مراتب بزرگتر و هولناک تر است چرا که در این حال او نقصی را برای خدا قائل شده و در برابر خدا بزرگتری را متصور شده است.

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید که: خوف الهی رقیب دل و دیدبان دل است و محافظت می‌کند و نگاه می‌دارد نفس را از افعال و اعمال بد، و رجا و امیدواری رحمت حق، شفیع نفس است و به نفس می‌گوید: هر چند مخالفت حکم الهی موجب خسران و بعد از رحمت است، اما خداوند تعالی کریم است و در اعلائی مرتبه کرم و رحم است و گناه تو در جنب رحمت او قدری ندارد، خاطر جمع دار. (مصباح الشریعة / ترجمه و شرح عبد الرزاق گیلان)

و مروی است که مردی در بنی اسرائیل بود که مردم را از رحمت خدا ناامید می‌کرد و ایشان را بسیار می‌ترسانید، در روز قیامت خدا به او خواهد فرمود که: امروز من تو را از رحمت خود مایوس می‌کنم، همچنان که تو بندگان مرا از من نا امید ساختی

۳- کفر به خداوند. نهایت و اوج ناامیدی از رحمت خداوند کفر به خداوند است چرا که همین یأس و ناامیدی از رحمت خدا موجب سردی و بی میلی به طاعت و عبادت خدا شده و به مرور زمان حضور خداوند و اطاعت و بندگی او را در زندگی فرد کمرنگ و کمرنگ تر می‌سازد. از برخی از آیات قرآن کریم نیز معلوم می‌شود که یأس از رحمت خدا موجب کفر است، چنانکه می‌فرماید: «لا ییأس من روح الله الا القوم الکافرون» یعنی مایوس نمی‌شود از رحمت خدا مگر کفار. (یوسف / ۸۷)



نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

در مقابل افراد گنهکاری که از رحمت خدا نا امیدند، گنهکارانی نیز هستند که با وجود غرق بودن در باتلاق گناهان خویش به رحمت و مغفرت خداوند دل بسته اما جهت رهایی از خویش از گرداب



## ضاللت و گمراهی کوچکترین حرکتی انجام نداده و با این وجود چشم امید به خداوند می‌دوزند. هر دو گروه فریب خورده

**شیطان هستند** . در باره نا امیدان از رحمت الهی باید گفت: اینان به واسطه یأس از رحمت الهی دچار کفر شده و بدین وسیله از قرب الهی باز می‌مانند. در باب گروه دوم نیز باید گفت: شیطان به وسیله فریب، آنان را از طاعت و بندگی باز داشته و آنان در گرداب جهل و نادانی ننگه می‌دارد.

سنان بن طریف گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم میفرمود: برای مؤمن سزاوار است که از خداوند تبارک و تعالی چنان بترسد که گویا بدوزخ سرازیر است و تا آن اندازه بوی امیدوار باشد که گویا از اهل بهشت است). الروضة من الکافی یا گلستان آل محمد / ترجمه کمره‌ای

امید داشتن بنده به آمرزش گناهانش زمانی منطقی و مورد پذیرش است که خود نیز گامی در جهت رحمت و رضای الهی برداشته و زمین وجودش را از حضور خوار و خاشاک پاک سازد تا گل امید و مغفرت و رحمت الهی در آن شکوفا گردد. اسحاق بن عمار گوید: عرض کردم: گروهی معصیت می‌کنند و می‌گویند ما به لطف خداوند امیدوار می‌باشیم، این‌ها همین‌طور هستند تا مرگ آنها می‌رسد فرمود: آنها در آرزو زندگی می‌کنند و دروغ می‌گویند، هر کس آرزو دارد دنبالش می‌رود و هر کس از چیزی ترسید از او فرار می‌کند. (مشکاة الأنوار / ترجمه عطار دی) بیم و امید در کنار یکدیگر است که کارساز بوده و بنده را به سر منزل مقصود می‌رساند.

چون روز رستاخیز فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی چنان رحمت خود را گسترش می‌دهد که ابلیس هم بر رحمت حق تعالی طمع می‌بندد

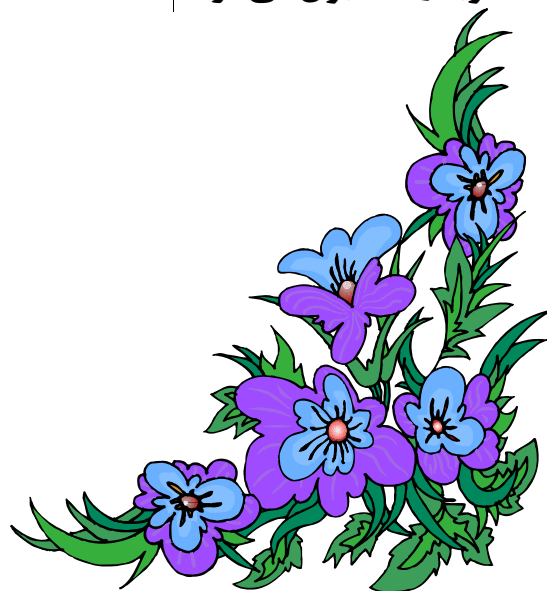
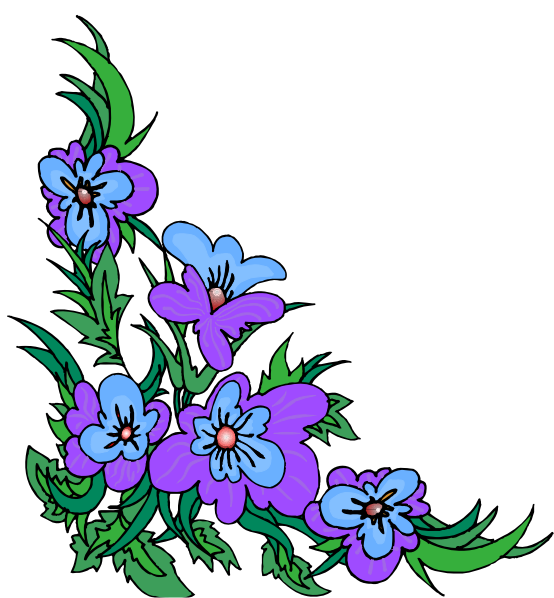
### امید و پذیرش توبه

از حضرت رسول اکرم مروی است که خدای تعالی فرمودند که: **مطمئن نشوند عبادت کنندگان به عبادتی که به امید ثواب من می‌کنند، به درستی که اگر غایت سعی خود را در طاعت بکنند و در مدت عمر نفس‌های خود را به زحمت بیندازند در بندگی من، باز**

مقصر خواهند بود و حق عبادت مرا به جا نخواهند آورد، در مقابل آنچه از من می‌خواهند از کرامات و نعیم بهشت من و از درجات عالیه در جوار من. ولیکن باید به رحمت من واثق باشند و به فضل و کرم من امیدوار باشند. مطمئن و خاطر جمع به حسن ظن به من باشند، که هرگاه چنین باشند رحمت من ایشان را در می‌یابد، و خشنودی و آمرزش خود را به ایشان می‌رسانم و خلعت عفو خود را به ایشان می‌پوشانم. به درستی که منم خداوند رحمن و رحیم، و به این نام خود را نامیده‌ام.

از حضرت امام باقر (علیه السلام) مروی است که: دیدم در کتاب علی بن ابی طالب صلوات الله علیه که نوشته بود حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در بالای منبر فرمودند که قسم به آن خدایی که به غیر از او خدائی نیست که به هیچ مومنی خیر دنیا و آخرت داده نشده مگر به واسطه حسن ظن او به خدا و امیدورایش به او و حسن خلق او، و احتراز کردن از غیبت مومنین. و قسم به خدایی که به غیر از او خدایی نیست که خدای تعالی هیچ مومنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی‌کند مگر به جهت گمان بدی که به خداوند داشته باشد و کوتاهی در امیدواری به خداوند و بد خلقی و غیبت مومنین.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت بنده گنهکار، باامیدی که به رحمت ایزدی داشته و او را صاحب عفو و مغفرت می‌داند، در دایره رحمت الهی قرار گرفته و خود را مشمول بخشش او قرار می‌دهد و با این امید به رحمت الهی است که زمینه پذیرش استغفار وی فراهم شده و توبه وی مقبول می‌گردد.



## جبهه طاغوت زرنگه !



روحانی عزیزی میگفت:

در مکانی در بالاشهر نمایشگاهی به مناسبت ولادت امام رضا علیه السلام زده بودیم

باحجاب و بی حجاب گذر می کردند و تماشا

**من برای دختران چادری**

بر روی یک کارت زیبا که به نام مهدی فاطمه مزین بود این را  
می نوشتم:

**خواهر خوبم!**

از اینکه شما رو در **چادر زیبای زهرایی** می بینم بسیار خوشحالم

و از اینکه **شبیبه به حضرت زهرا شده ای** به شما افتخار می کنم و شما  
رو می ستایم

و این کارت رو به اونا هدیه می دادم

**جبهه طاغوت زرنکه**

از بچگی لباس ۱۰ درصد عریان یا ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد یا حتی بیشتر تن بچه ها می کنند

**بی حجابی بچه و لباس های بی حجابش رو مورد تحسین قرار میدند**

**موهای بچه** رو از بچگی با مدل های متفاوت آرایش کرده و به نمایش همگان در می آورند

چادر رو که اصلا بچه نمی بینه

مدلهای لباس با حجاب رو اصلا نمی بینه چه برسه تنش کنه

**خلاصه سلیقه ی بچه رو با حیایی پرورش میدند**

**چرا** ما از بچگی زیبایی حیا رو به بچه نشون ندیم؟

**چرا** تجربه ی زیبایی چادر رو از بچگی به دخترمون نچشونیم؟

**چرا** مقداری از پولمون رو برای تشویق دخترمون به خاطر زیبایی حیایش خرج نکنیم؟

**چرا** از سن کم **حضرت زهرا** رو به دخترمون نشناسونیم؟

و افسوس های زیادی باید خورد که به فکر لباس و خوراک بچه

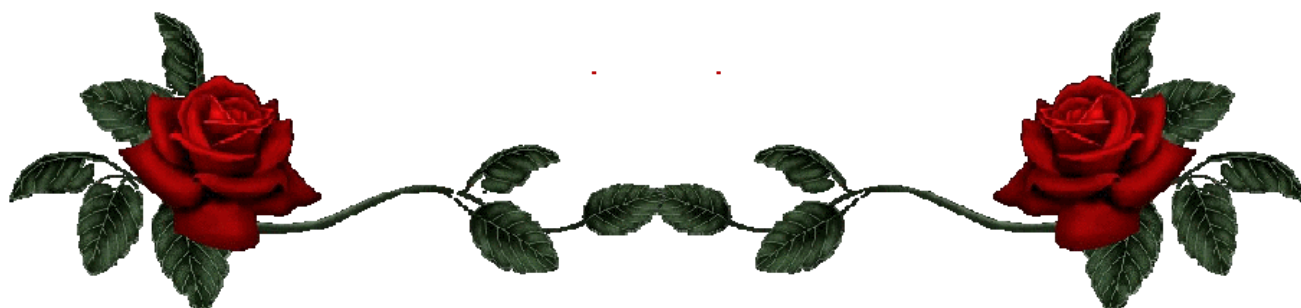
هامون هستيم

اما

به فكر حيا و نوع نگاه و دين بچمون نيستيم

در حاليكه به راحتى مى توان دختر رو زهرا پسند بار آورد

اما با راه درست و اجراى درست و بدون افراط و تفریط



## جلوه های آخر زمانی دجال

دجال دارای سه گزاره اصلی است :

۱- دجال دارای یک مصداق اصلی و ناشناس است که هویت حقیقی اش تا زمان ظهور ناشناخته می ماند و پس از ظهور برای همگان آشکار می گردد .

۲- دجال دارای مصادیق فراوان فرعی است که تمام پیروان دجال و دجال صفتان عالم را در بر میگیرد .

۳- دجال دارای جلوه های گوناگون و رنگارنگی است که با آن بیشتر مردم جهان را می فریبد و آنان را از گرایش به آرمان های الهی منجی دور و گریزان می سازد .

بر اساس این دیدگاه جلوه های آخرالزمانی دجال را می توان این گونه برشمرد :

۱- تسلط نظام مادی گرایی که خود شامل تمام مظاهر فریبنده دنیوی (از ثروت جویی و زن پرستی و جاه طلبی تا شراب خوری و استفاده از مواد مخدر) می گردد . نظامی که چشم خدائین و معنویت گرای آن از اصل و اساس از بین رفته و چشم ظاهر بین و دنیاگرایی آن به صورت افراطی گشوده شده است .

۲- تسلط نظام رسانه ای که ابزار آن ماهواره ها، اینترنت، سینما، تلویزیون، موبایل و ... است بنیان کار آن بر فیلم ها و موسیقی های حرام با تکیه بر سکس و خشونت و لایابالی گری استوار است ، نظامی که از امواج ذهن و اندیشه مردم جهان را در چنبره خویش گرفته و آنان را با تک چشم جادویی خویش سحر می کرده و به هر سو که می خواهد ، می کشاند .



۳- فراگیری طاغوت های سیاسی ، ناتوهای فرهنگی و عرفان های دروغین نوظهور که خود شامل ابر قدرت های شیطانی ، لای های صهیونیستی ، تیم های فراماسونری ، کابالا ، شیطان پرستی ، رام الله و ... می گردد ، فرقه ها و گروه هایی اهریمنی که بر ارکان قدرت و ثروت جهان چنگ انداخته و بیشتر مردم جهان را در جولان گاه فتنه و فساد خویش تار و مار ساخته اند.

### ۱- دجال، از نشانه های ظهور

یکی از نشانه های ظهور که فراوان از آن سخن به میان آمده، «خروج دجال» است. اگر چه این رخداد در شمار نشانه های حتمی ظهور ذکر نشده است، اما تعداد روایات آن در منابع روایی، به ویژه در منابع اهل سنت، به مراتب از تعداد روایات درباره ی نشانه های حتمی ظهور بیشتر است. از روایات اسلامی استفاده می شود که دجال فرد ستم کار، دروغگو و پر تزویری است که در آخرالزمان مردم را گمراه خواهد کرد. البته در آموزه های سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام از دجال سخن به میان آمده است. در روایاتی از خروج دجال به عنوان نشانه ی ظهور و در برخی دیگر از آن به عنوان یکی از «أشراط الساعة» (نشانه های قیامت) یاد شده است. فتنه انگیزی دجال در کتاب های اهل سنت بیشتر با عنوان یکی از نشانه های برپایی قیامت معرفی شده است. اما منابع روایی شیعه اغلب از آن به عنوان حادثه ای مهم و فراگیر که همزمان با ظهور حضرت مهدی(ع) رخ خواهد داد در شمار نشانه های ظهور یاد کرده اند.

### ۲- ویژگیها و نشانه های دجال

اصبغ بن نباته از حضرت علی(ع) پرسید: یا امیرالمؤمنین! دجال کیست؟ آن حضرت فرمود: «... بد بخت کسی است که او را تصدیق کند و خوشبخت آن است که او را تکذیب کند»

۱- چشم راستش کور شده| از اصل خلقت چشم راست ندارد، به گونه ای که گودی حدقه اش نیست| و چشم دیگرش در وسط پیشانی است و مانند ستاره ی صبح می درخشد. در آن گوشت بسته شده ای است که با خون درآمیخته است.

۲- میان دو چشمش نوشته است: «کافر» که هر با سواد و بی سوادى آن را مى خواند.

۳- در دریاها فرو مى شود و آفتاب با او بر مى گردد.

۴- مقابل او کوهى از دود و عقبش کوهى سپید است که مردم تصور مى کنند طعام است.

۵- در زمان قحطى سختى خروج مى کند، در حالیکه بر مرکبى خاکستری سوار است.

۶- هر قدم از مرکب او یک میل است و زمین منزل به منزل زیر پایش نور دیده مى شود و بر آبی نگذرد جز آن که فرو رود و جای آن تا روز قیامت خشک بماند.

۷- به آوازی که تمام جن و انس و شیاطین در شرق و غرب عالم آن را مى شنوند فریاد کند: «ای دوستان من! نزد من آید. منم آن که آفرید و تسویه کرد و تقدیر کرد و رهبری نمود. منم پروردگار شما»

۸- دشمن خدا دروغ مى گوید، او یک چشمی است که غذا مى خورد و در بازارها راه مى رود. به راستی که پروردگار شما نه یک چشم است و نه غذا مى خورد و نه راه مى رود و نه زوال دارد و برتر است خدا از این اوصاف، برتری بزرگی.

۹- آگاه باشید که بیشتر پیروانش در آن روزگار ناپاک زادگانند.

۱۰- خداوند او را در شام، بر سر گردنه ای که آن را «افیق» نامند به دست کسی که مسیح (ع) پشت سرش نماز مى خواند، هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته باشد خواهد کشت. آگاه باشید که پس از آن حادثه ی بزرگ واقع خواهد شد و آن خروج دابه از زمین است.

از نکات شگفت آور در انبوه روایات شیعه و سنی ارتباط بسیار شدیدی است که بین دجال و یهود مطرح شده است. چنان چه در روایات اسلامی آمده است: «بیشتر پیروان دجال، یهودیها هستند»

نکته ی مهم تر این که فضای بیشتر روایات در برشماری ویژگیهای دجال، فضایی کنایی و استعاری است که سمبل ها و کدهایی رمزگونه را برای شناسایی دجال



فراروی مخاطبان خویش می گشاید. چنین فضایی بیش از هر چیز نیازمند دقت و تأملی فراوان و تحلیل‌هایی عمیق و دقیق بر اساس کیاست و زیرکی‌های مؤمنانه است، چنانچه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بر این مهم تأکید ورزیده و فرموده است: ویژگی‌های دجال را برایتان گفتم تا در آن بیاندیشید و به حقیقت آن راه یابید و آنگاه بر ضد او عمل نمایید. آینده‌گان خویش را از فتنه‌ی دجال باخبر سازید و یکدیگر را بدان یادآور شوید. پس همانا فتنه‌ی دجال سخت‌ترین فتنه‌ها و شدیدترین آزمایش‌هاست.



در روزگاری که خنده ی مردم از زمین خوردن توست ، برخیز تا  
بگریند ... ( کوروش کبیر )

.  
درصد کمی از انسانها نود سال زندگی می کنند  
مابقی یک سال را نود بار تکرار می کنند ...

.  
نصف اشباهاتمان ناشی از این است که وقتی باید فکر کنیم ، احساس  
می کنیم و وقتی که باید احساس کنیم ، فکر می کنیم ...

.  
سر آخر، چیزی که به حساب می آید تعداد سالهای زندگی شما نیست  
بلکه زندگی ای است که در آن سالها کرده اید ...

.  
همیشه در زندگیت جواری زندگی کن که " ای کاش " تکیه کلام پیریت  
نشود ...

دنیای بیرحمیست

چه زود پیش چشم عزیزانمان ارزان می شویم

چاره کم کردن رابطه ست که لااقل به مفت نفروشنمان ...

.

چه داروی تلخی است وفاداری به خائن

صداقت با دروغگو

و مهربانی با سنگدل ...

.

مشکلات امروز تو برای امروز کافی ست، مشکلات فردا را به امروز اضافه

نکن ...

.

اگر حق با شماست خشمگین شدن نیازی نیست

و اگر حق با شما نیست ، هیچ حقی برای عصبانی بودن ندارید ...

.

ما خوب یاد گرفتیم در آسمان مثل پرندگان باشیم و در آب مثل ماهیها

اما هنوز یاد نگرفتیم روی زمین چگونه زندگی کنیم

(ریچارد نیکسون)

.

فریب مشابعت روز و شبها را نخوریم

امروز، دیروز نیست

و فردا امروز نمی شود ...

.

یادمان باشد که : آن هنگام که از دست دادن عادت می شود

به دست آوردن هم دیگر آرزو نیست ...

.

اگه به روز حس کردی تو به زمان، عاشق دونفری ؛ حتما دومی انتخاب

کن، چون اگه واقعا عاشق اولی بودی به عشق دومی گرفتار نمیشدی !!

زنده بودن حرکتی افقی است از گهواره تا گور  
و زندگی کردن حرکتی عمودی است از زمین تا آسمان ...

برای دوست داشتن وقت لازم است، اما برای نفرت گاهی فقط یک  
حادثه یا یک ثانیه کافی است ...

گاه در زندگی ، موقعیت هایی پیش میآید که انسان  
باید بتواند دعاها را مستجاب شده خود را پردازد ...

به یاد ندارم ناینایی به من تنه زده باشد  
اما هر وقت تنم به جماعت نادان خورد گفتند: ”مگه کوری؟“

مادامی که تلخی زندگی دیگران را شیرین می کنی، بدان که زندگی  
می کنی ...

هیچ انتظاری از کسی ندارم! و این نشان دهنده ی قدرت من نیست!  
مسئله ، خستگی از اعتماد های شکسته است.

برای زنده ماندن دوخورشید لازم است .یکی در آسمان و یکی در قلب ..

در جستجوی قلبِ زیبا باش نه صورتِ زیبا  
زیرا هر آنچه زیباست همیشه خوب نمی ماند  
اما آنچه خوب است همیشه زیباست

فرق انسان و سگ در آنست که اگر به سگی غذا بدهی  
هرگز تو را گاز نخواهد گرفت.

**تولستوی**

نه طوطی باش که گفته دیگران را تکرار کنی و نه بلبل باش که گفته خود را هدر  
دهی

**.. سعید نفیسی ..**

نه وام میدهم نه وام میستانم زیرا وام راهی است بسوی تباهی

**.. شکسپیر ..**

طفلان را پدرباش ، جوانان را برادر ، پيران را فرزند.

گذشت زمان آدمی را پیر نمیسازد ، بلکه ترک آرمانها و کمال مطلوبهاست که ما را  
فرتوت و افتاده میکند  
.. ژنرال دوگلاس مک آرتور ..

چشم دیگران چشمی است که ما را ورشکست میکند اگر همه بغیر از خودم کور  
بودند ، من نه به خانه باشکوه احتیاج داشتم نه به مبل عالی  
.. بنیامین فرانکلین ..

عشق تنها به چشمان یکدیگر خیره شدن نیست، بلکه متفقاً به  
بیرون، به جهت معینی نگاه کردن است.

کسی که زیاد حرف میزند، یا زیاد می داند یا زیاد دروغ  
می گوید.

پیروزی آن نیست که هرگز زمین نخوری، آنستکه بعد از هر  
زمین خوردنی برخیزی.

گاندی

خدا هر کسی را که مثل من خوب باشد دوست دارد، اما هر  
کسی را که مثل تو بد باشد دوست ندارد. اما من تو را با  
همه بدی ات دوست دارم. چون دلم برایت  
می سوزد وقتی که می بینم هیچ کس دوستت ندارد!

وقتی کبوتری شروع به معاشرت با کلاغها میکند پرهایش  
سفید میماند، ولی قلبش سیاه میشود.

«مارک تواین»







## جملات زیبا در رابطه با حجاب



- حجاب نیمی از ایمان است.
- اصالت زن مسلمان عفت اوست که حجاب مهمترین رکن آن است.
- ای زنان زینت های خود را آشکار نسازید مگر برای محرمانتان .
- حجاب واکنس مقابله با تیر نگاههای آلوده.
- حجاب سنگری است محکم که زن را از نگاه مردان شیطان صفت مصون ومحفوظ نگه می دارد.
- حجاب بوته خوش بوی گل عفاف است. حجاب مصونیت است نه محدودیت.
- حجاب یعنی حیای جوان باعفت.
- بدحجابی زن از بی غیرتی مرد است.
- کسی که عفت داشته باشد ارزش ومنزلتش زیاد خواهد بود.
- حجاب امن ترین پناهگاه زن
- حجاب بیانگرو قارو افتخار زن است.
- زن درحجاب مانند گوهر در صدف است.
- حجاب رساندن زن به رتبه عالی معنویت.
- حجاب سرچشمه کمال زن است.
- چادربهترین نوع حجاب ونشانه ملی ماست.
- عفت باید در فکر نگاه، زینت، حجاب، زبان، چشم، گوش واندام تجلی داشته باشد.
- حجاب جاذبه خوبی ها ودافعه خطاهاست.
- ای زن به تو اینگونه خطاب است زیننده ترین زن حفظ حجاب است.
- حجاب مادر پاکیهاست.
- حجاب تالو شبنم بر چهره گل
- حجاب مظهر عفاف است.
- حجاب دژوقلعه ای برای پاسداری از گوهر عفاف است.
- حجاب یعنی حیا وجوانمردی وشرف و آزادگی وبصیرت.



حجاب ح = حریت، ج = جذبہ، ا = آبرو و شرف، ب = بندگی.  
حجاب یعنی حریت و آزادگی و افتخار و بندگی.  
حجاب برای زن تاج بندگی خداست.  
اقتدار زینب به حجاب او بود.  
حجاب مانع آلوده شدن جامعه به فساد است.  
حجاب عامل تحکیم خانواده و کاهش آسیب های اجتماعی.  
هیچ کس نمی داند من چقدر خوشحال شدم که رسول خدا (ص) مرا از ظاهر شدن در  
پیش چشم مردان معاف کرد. (حضرت فاطمه «س»)  
زن با حجاب همچون مرواریدی در صدف است.  
غنچه ای تا هست پنهان در حجاب/ می کند از او خزان هم اجتناب  
زنان مانند گل اند/ بر مقام حفظ عصمت سنبل اند.  
حجاب = کاهش آسیبهای اجتماعی.  
حجاب تضمین تداوم زیبایی و شرافت است.  
در تصویر حاکمی شده برسنگهای تخت جمشید هیچکس عصبانی نیست، هیچ کس سوار بر  
اسب نیست. هیچ کس رادر حال تعظیم نیست. در بین این همه پیکر تراشیده شده حتی  
تصویر برهنه نیست یادمان باشد که چه بودیم و چه شدیم.  
خواهرم استعمار قبل از هر چیز از سیاهی چادر تو می ترسد تا سرخی خون من (پیام  
شهدا)  
در فرهنگ لغات خود حجاب را پاکی صداقت معنا کن در فرهنگ لغات خود حجاب را  
آئینه نادیده معنا کن.  
همیشه گوهر انسانیت را در حجاب جستجو کن.  
زن بخاطر ارزش و کرامتی که دارد باید با رعایت حجاب محفوظ بماند و خود را حراج  
نکند و در بازار سوداگران شهوت خود را به بهای چند نامه و نگاه و لبخند نفروشد.  
خواهرم سرخی خونم را به سیاهی چادرت به امانت داده ام (پیام شهدا)  
حجاب دژی است در برابر یورشهای شیطانی.  
یک گل خوش رنگ و یک گل خوشبو/ از خس و خاشاک پنهان کند رو  
چادر ترنم عطر یاس در فضای غبار آلوده دنیا است.  
فرمان خدا قول نبی نص کتاب است/ از بحر زنان افضل طاعات، حجاب است.  
حفظ چادر حفظ دین و مذهب است/ شیوه زهرا و درس زینب است.  
تا شهوت نفس در نهاد بشر است در کشف حجاب صد هزاران خطر است.  
تیری است نظر، ز تیرهای ابلیس این چادر در مقابلش چون سپر است.



گل عفاف در بوستان حجاب می روید و عطرپاکی وجود زنان محببه را قیمتی می کند. نمی دهد اجارت چشم ها را به سیرو سفر/حجاب چهره تو و سربه زیری و وقارت. زن عقیف زیباست و عفتش به او قدرتی می دهد که قوی ترین مردان در برابر او به خضوع و اداری کند.

حجاب اسلحه محکمی است که زن با آن می تواند از حقوق و ارزشهایش دفاع کند. روی فرو پوش چون دُرّ صدف تا نشوی تیر بلا در هدف. سنگفرشهای وجود هر انسان خاکی به وسیله پوشش و حجاب از گزند علفهای هرز درامان می ماند.

آنکه در حجاب چادر به سر کند یعنی فقط به حد حکم خدا نظر کند. حجاب سپری است در مقابل چشمان بوالهوسان و سدی محکم در برابر گناه. حجاب منشور والای آگاهی است. حجاب فریضه ای است که ترک من فرصت قضا ندارد. حجاب مهر عنایت حق بر قامت فرشتگان زمین است. من حجابم، کشتی راه نجات، چشمه آب حیاتم، معنی آب حیاتم معنی صوم و صلاتم بر حریم عفت و ناموس، من نیکو پا سبانم.

ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مومن بگو که خویشان را به چادرپوشند (سوره احزاب آیه ۵۹)

حجاب تضمین کننده سلامت جامعه و مصونیت آن در برابر هیله شیطانی و تهاجم فرهنگی است.

زنان خوب میراث دار عفاف فاطمه و مریم اند درینجا که بازیچه هوس شوند و به ویروس گناه آلوده گردند.

العِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ؛ عفت منشا تمام نیکهاست.

ثمره العفه الصیانه میوه عفت محفوظ ماندن است.

هر شاخه ای که از باغ برون آرد سر/ در میوه آن طمع کند را هگذر/ بی حجابی مانند شاخه ای است بیرون از حصار باغ که طمع هر رهگذری را به خود جلب می کند.

والذینهم لفرو جهم حافظون آنان ((مومنین)) کسانی هستند که خویشان را از بی عفتی حفظ می کنند.

حجاب شما خواهران کو بنده تر از خون سرخ ما است..(وصیت شهدا)

مروارید گرانبها و صدف وجودت را بر نامحرم مگشا.

با حجاب، زیبا تر بودن را تجربه کنید.

حجاب آسمانی ترین راه به مدینه ی فاضله است.



پدرم گفت که ای دخت نکو بنیادم/ زلف بر بادنده تا ندهی بر بادم.  
حجاب صدف است که از گوهر وجودی زن محافظت می کند.  
غنچه زیباست چون گلبرگها را در میان گرفته و حجاب زیباست چون تو را در بر گرفته.  
حجاب دستوری قرآنی و قانون الهی و تکلیف انسانی و برنامه اخلاقی است.  
کس غنچه نهان شده دربرگ را نچید/ از بی حجابی است اگر عمر گل کم است.  
حجاب یعنی وقار فاطمه (س).  
حجاب یک فرهنگ است که شهدا نیز به آن افتخار کردند.  
حجاب حفظ ارزشهای انقلاب اسلامی است.  
حجاب و عفاف یکی از محورهای زندگی قرآنی است.  
حجاب همان اندازه حیاتی است که آب.  
حجاب نشانه شخصیت انسان است.  
خواهرم حجاب تو بها است نه بهانه.  
برای هر چیز زکاتی است و زکات زیبایی پا کدامی و حجاب است.  
زنان باحجاب مرزبانان شرف اند.  
حجاب برتر به زنان ما عفت به مردان ما غیرت و به جامعه ما عزت می بخشد.  
به زلفانت بیاموز که بیرون ارزش دیدن ندارند.  
حجاب محافظی ستبر است که از غنچه عفاف حفاظت می کند.  
حجاب صدفی است که گوهر عفت را حفظ می کند.  
حجاب زن کوبنده تر از خون شهید است.  
حجاب کلید نزدیکی به فاطمه زهرا (س) است.  
زیباترین هدیه خداوند به زن حجاب است.  
حجاب یعنی من مجهز به آنتی ویروس هوس و وسوسه هستم.  
حجاب مایه عفت زنان است.  
حجاب تیر جانسوزی به چشم دشمن است.



## جملات زیبا

- بیهوده متاز که مقصد خاک است
- هرگز برای خوشبختی امروز و فردا نکن
- نماز وقت خداست آنرا به دیگران ندهیم
- هرگاه در اوج قدرت بودی به حباب فکر کن
- هر چه قفس تنگ تر باشد، آزادی شیرین تر خواهد بود
- دروغ مثل برف است که هر چه آنرا بغلتانند بزرگتر می شود
- هرگز از کسی که همیشه با من موافق بود چیزی یاد نگرفتم
- خطا کردن یک کار انسانی است اما تکرار آن یک کار حیوانیست
- دستی را بپذیر که باز شدن را بهتر از مشت شدن آموخته است
- تنها موقعی حرف بزن که ارزش سخنت بیش از سکوت کردن باشد
- هیچ زمستانی ماندنی نیست... حتی اگر تمام شبهایش یلدا باشد
- مرد بزرگ، کسی است که در سینه خود، قلبی کودکانه داشته باشد
- سقف آرزوهایت را تا جایی بالا ببر که بتوانی چراغی به آن نصب کنی
- یادها رفتند و ما هم میرویم از یادها. کی بماند برگ کاهی در میان بادها
- دوست داشتن کسی که لایق دوست داشتن نیست اسراف محبت است
- نگاه ما به زندگی و کردار ما تعیین کننده ی حوادثی است که بر ما می گذرد



- هیچوقت نمی توانید با مشت گره کرده ، دست کسی را به گرمی بفشارید
- کاش در کتاب قطور زندگی سطری باشیم ماندنی ... نه حاشیه ای از یاد رفتنی
- هر که منظور خود از غیر خدا می طلبد ، او گدایی است که حاجت ز گدا می طلبد
- در برابر کسی که معنای پرواز را نمیفهمد هر چه بیشتر اوج بگیری کوچکتر خواهی شد.....

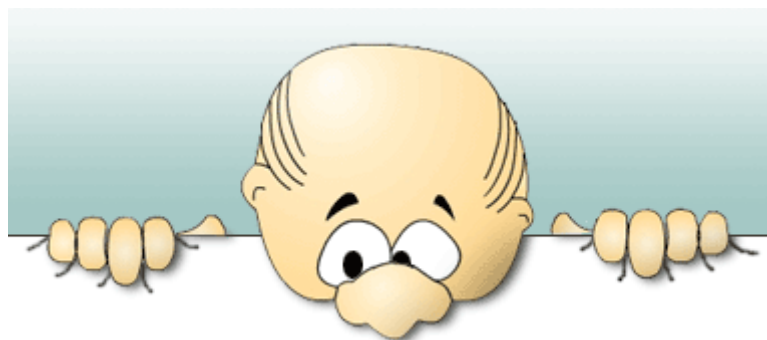




## جملاتی برای آرامش

ما همان افکارمان هستیم، اگر نتوانیم افکارمان را تغییر دهیم نمی توانیم هیچ تغییر دیگری ایجاد کنیم. شما قطاری از افکار دارید که هنگام تنهایی، سکوت و زمانی که غرق در افکارتان هستید سوار آن می شوید. ارزشی که برای خودتان قایل هستید و شادی هایی که در زندگی دارید همه بستگی به جهتی دارند که قطار به آن سو در حرکت است.

اگر واقعا می خواهید در زندگیتان تغییری ایجاد کنید باید ابتدا ذهن و افکارتان را تغییر دهید و آن را از هر نوع تفکر آزاردهنده ای که شما را به عقب می راند پاک کنید. در این مطلب جملاتی گردآوری شده که به شما کمک می کنند بتوانید ذهنتان را آزاد کرده و تغییرات دلخواهیتان را در زندگی ایجاد کنید.



## جملاتی که به ذهنتان آرامش می بخشند

- ۱- شما ساخته شده اید که فقط یک انسان باشید، انسانی که خودتان تصمیم گرفته اید باشید.
- ۲- کارهای خوب انجام دهید و احساس خوبی داشته باشید، کارهای بد انجام دهید و احساس بدی داشته باشید، این قانون ساده زندگی است.
- ۳- شما همانی هستید که امروز انجام می دهید نه آنی که تصمیم دارید فردا انجام دهید.



۴- همه ما تصمیم می گیریم اما در نهایت تصمیم ها ما را می سازند.

۵- آنچه می تواند تغییرات اساسی ایجاد کند کاری نیست که شما گاهی انجام می دهید، بلکه کارهایی که طبق برنامه انجام می دهید و قانون دارند می توانند تغییر ایجاد کنند.

۶- با خودتان صادق باشید، هرگز خودتان را به خاطر کارهایی که انجام داده اید و احساس خوبی به آنها داشته اید سرزنش نکنید.

۷- کاری را که اطمینان دارید درست است انجام دهید.

۸- تا زمانی که از خودتان راضی نباشید هیچ مقدار پولی نمی تواند شما را خوشحال کند.

۹- اگر در قلبتان احساس آرامش می کنید مطمئن باشید که کار درستی انجام داده اید.

۱۰- نگران نباشید که دیگران فکر می کنند اهداف شما رویایی و غیرمنطقی به نظر می رسند. بیشتر اوقات ایده های رویایی همان هایی هستند که جهانی را به شگفتی وامی دارند.



۱۱- اگر مانند دیگران فکر می کنید در واقع خودتان هیچ فکری نمی کنید.

۱۲- خودتان، خودتان را کنترل کنید در غیر این صورت فرد دیگری شما را کنترل می کند.

۱۳- گاهی اوقات ایستادن در برابر دوستان به اندازه ایستادن در برابر دشمنان دشوار می شود.





۱۴- ناراحت ترین افراد جهان کسانی هستند که دایم نگرانند دیگران چه فکری در موردشان می کنند.

۱۵- زمانی که کسی از شما انتقادهای غیرواقعی کرده یا سرنوشت بدی را برای شما پیش بینی می کند، در مورد شما صحبت نمی کند بلکه درون خودش را برای شما آشکار کرده است.

۱۶- اگر فقط به فکر سود و زیان خودتان نباشید دنیایی از فرصت های بی نظیر به دست می آورید.

۱۷- تاکنون هیچ انسانی با توانایی ها و ویژگی های شما در دنیا وجود نداشته، پس به خودتان ببالید که منحصر به فرد هستید و سعی کنید اثر خوبی از خودتان برجای بگذارید.

۱۸- انسان مهربان و دوست داشتنی در دنیایی خوب و دوست داشتنی زندگی می کند و انسان بدبخت که از دیگران متنفر است در دنیایی بد و تنفرآمیز به سر می برد. دنیای اطراف شما نمایانگر خود شما است.

۱۹- نگرانی موجب می شود کوچکترین اشیا، بزرگترین سایه ها را داشته باشند.

۲۰- در ذهنتان بر چیزهایی که دوست دارید تمرکز کنید نه بر چیزهایی که از آنها وحشت دارید، این کار رویاها را برایتان واقعی می کند.



۲۱- نگران شکست ها و ناکامی ها نباشید بلکه نگران فرصت های خوبی باشید که حتی آنها را امتحان نکرده اید.

۲۲- بهانه نیاوردن بهتر از بهانه بد آوردن است.



۲۳- برای به دست آوردن چیزی که تا به حال نداشته اید باید کارهایی را انجام دهید که تا به حال انجام نداده اید.

۲۴- مشکلات ما دوستان ما هستند البته در صورتی که ما را قوی تر کنند.

۲۵- هر کسی می تواند از مشکلات فرار کند، این ساده ترین واکنش است اما مواجه شدن با مشکلات شجاعت است و فرد را قوی تر می کند.

۲۶- یکی از بزرگترین نعمت هایی که داریم این است که نمی دانیم در آینده چه اتفاقی برایمان می افتد.

۲۷- نگران مسائلی که کنترلی بر آنها ندارید، نباشید.

۲۸- لذت ها و خوشحالی های زودگذر ارزش دردهای طولانی مدت را ندارند.

۲۹- شاید صبر کردن گاهی اوقات تلخ باشد اما میوه آن شیرین خواهد بود.

۳۰- هر چه کمتر انتظار داشته باشید بیشتر از زندگی لذت می برید.



۳۱- آنچه برای شما بی ارزش است برای دیگری رویای بزرگی است.

۳۲- کاری که می کنید، جایی که می رویدت وانسانی که هستید نمی تواند شما را خوشحال کند، اینکه زندگی را چگونه می بینید شما را خوشحال می کند.

۳۳- انسان ها فقط چیزهایی را می بینند که خودشان دوست دارند ببینند.

۳۴- اگر بیش از حد برای ارزشیابی خود و دیگران وقت بگذارید هرگز نمی توانید خودتان یا دیگران را دوست داشته باشید.



۳۵- دنیا را از شیشه جلو ببینید نه از آینه های کناری.

۳۶- انتخاب اینکه چه زمانی و چگونه بمیرید با شما نیست اما انتخاب چگونه گذران زمان باقی مانده تا مرگ با شما است.

۳۷- پشیمانی ها را کنار بگذارید، آنها فقط بهانه های افراد شکست خورده هستند، هنوز فرصت های زیادی روبروی شما است.

۳۸- جمله شما چیست؟ چه جمله ای به شما کمک می کند تا ذهنتان را از افکار آزاردهنده ای که شما را به عقب می کشاند، رها کنید؟

